

انتظار ۱۰



جهانی شدن و حکومت  
حضرت مهدی (عج)

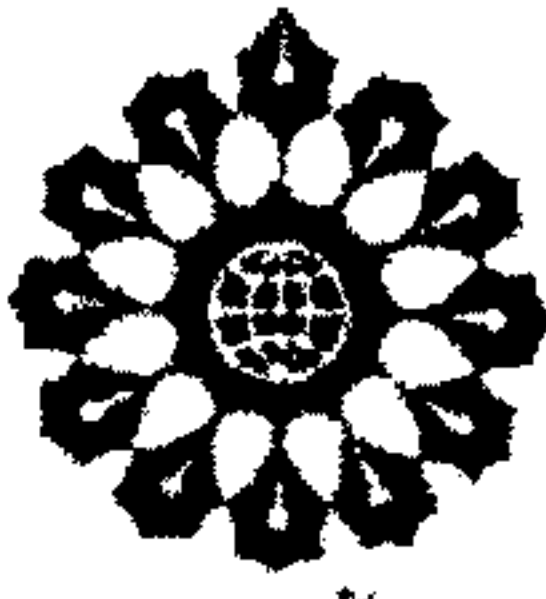
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**جهانی شدن و حکومت جهانی**  
**حضرت مهدی علیه السلام**

رحیم کارگر



مرکز تخصصی مهدویت



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی

## جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی

مؤلف / رحیم کارگر

ناشر / مرکز تخصصی مهدویت

چاپ / گنج معرفت

نوبت چاپ / اول، بهار ۱۳۸۷

قیمت / ۸۰۰ تومان

تیراژ / ۳۰۰۰ جلد

صفحه آرا / رضا فریدی

### مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهداء

(صفائیه) / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ ○ فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

ص.پ ۳۵۵-۱۵۶۵۵

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۳-۹

## فهرست مطالب

پیش درآمد..... ۹

### فصل اول: جهانی شدن، جهانی کردن و جهانی سازی ۱۷

۱. پیدایش «جهانی شدن»..... ۱۸

۲. تعاریف «جهانی شدن»..... ۲۲

۳. ماهیت و مبانی «جهانی شدن»..... ۲۶

۴. رهیافت‌ها، داعیه داران و اهداف..... ۳۲

۴-۱. رهیافت اقتصادی..... ۳۳

۴-۲. رهیافت فرهنگی..... ۳۵

۴-۳. رهیافت سیاسی..... ۳۷

۵. ویژگی‌های جهانی شدن و جهانی سازی..... ۴۰

۵-۱. فرهنگ جهانی واحد..... ۴۱

۵-۲. ایدئولوژی واحد جهانی..... ۴۲

۵-۳. ارتباطات جهانی..... ۴۴

۵-۴. اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی..... ۴۵

۵-۵. سیاست و تضعیف دولت‌های ملی..... ۴۸

۵-۶. مذهب و جهانی شدن..... ۴۹

۶. چالش‌ها و کاستی‌ها..... ۵۱

### فصل دوم: حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام... ۵۹

۱. درآمدی بر حکومت جهانی مهدی علیه السلام..... ۶۲

۱-۱. درخشان‌ترین فرصت ارائه نظریه

«حکومت جهانی مهدوی»..... ۶۲

۱-۲. حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی علیه السلام..... ۶۳

## ۱-۳. اثبات نظریه «حکومت جهانی مهدی

موعود عجل الله تعالی فرجه» ..... ۶۳

## ۱-۴. حکمت و فلسفه اصلی ظهور منجی

بشریت ..... ۶۴

۱-۵. تحقق واقعی جامعه واحد جهانی ..... ۶۵

۱-۶. دین راه حل مشکلات و کاستی‌ها ... ۶۶

۱-۷. عصر ظهور ..... ۶۷

۱-۸. جهانی شدن اندیشه «مهدویت» ..... ۶۸

۱-۹. ساختار نظام سیاسی مهدوی عجل الله تعالی فرجه ..... ۶۹

## ۲. مبانی و اهداف «حکومت جهانی حضرت

مهدی عجل الله تعالی فرجه» ..... ۶۹

۲-۱. امامت و بایستگی حکومت امام معصوم. ۷۰

۲-۲. حاکمیت صالحان، غایت و پایان تاریخ... ۷۱

۲-۳. ضرورت تشکیل حکومت جهانی ..... ۷۲

۲-۴. سرشت و گوهر واحد انسان‌ها ..... ۷۳

۲-۵. رشد و تعالی انسان‌ها ..... ۷۳

۲-۶. ضرورت عدالت و قسط فراگیر ..... ۷۴

۲-۷. دین محوری یا انسان محوری ..... ۷۴

## ۳. ویژگی‌ها و برنامه‌های حکومت جهانی

قائم عجل الله تعالی فرجه ..... ۷۶

۳-۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی ..... ۷۷

۳-۲. دین و آیین واحد جهانی ..... ۷۹

۳-۳. عدالت فراگیر جهانی ..... ۸۱

۳-۴. امنیت و صلح جهانی ..... ۸۳

۳-۵. ملت واحد جهانی ..... ۸۴

۳-۶. پیشرفت و رفاه جهانی ..... ۸۵

۳-۷. کمال علم و عقل ..... ۸۶

۳-۸. نوسازی و احیاگری ..... ۸۸

۳-۹. رضایت و خشنودی جهانی ..... ۸۹

فصل سوم: مقایسه و نتیجه‌گیری ..... ۹۱

## مقدمه

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته‌اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در راستای این هدف مهم، مجموعه‌ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک پردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

مرکز تخصصی

مهدویت

## پیش درآمد

امروزه دنیا، شاهد تحولات و دگرگونی‌های گسترده و شگفت‌آوری، در عرصه اقتصاد، ارتباطات، فرهنگ، سیاست، معاهدات و امور بین‌الملل، در راستای «جهانی شدن» است. شالوده افکار و اندیشه‌های سیاسی، سمت و سوی تعهدات و تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی، ماهیت برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها، ادبیات و فرهنگ غالب جوامع، جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و خدمات اعتباری و مالی، شبکه ارتباطات و انفورماتیک و... به تدریج، بر اساس «جهانی شدن»، «جهانی سازی» و «جهانی کردن» شکل می‌گیرد و پیوستگی و یکپارچگی میان آنها بیشتر می‌شود.

قطعی و روشن است که اینک، یکی از نظریات مهم در عرصه بین‌الملل، ارتباطات، فرهنگ، اقتصاد و سیاست، «جهانی شدن» است. حتی می‌توان گفت که: «از یک لحاظ، نظریه «جهان گرایی» (جهانی شدن) نظریه‌ای بلامنازع است. تحولات صورت گرفته در ابزار و شیوه‌های ارتباطات و جابه‌جایی‌های منابع و مردم، آشکارا می‌توانند بر انهدام حد و مرزهای اجتماعی، تأثیر گذاشته؛ همبستگی و



یکپارچگی بیشتری را موجب گردند. این فرایندها، از قرن‌ها پیش وجود داشته است.<sup>۱</sup>

پدیده جهانی شدن، رویدادی ناگهانی و جدید نیست؛ بلکه از گذشته - به شکل‌های مختلف - وجود داشته و اکنون سرعت آن بیشتر شده است. گسترش ارتباطات جهانی، به واسطه پیشرفت‌های فنی، افزایش نهادهای سیاسی، اقتصادی و تجاری بین‌المللی، پیدایش سازمان‌های صنعتی و مالی چند ملیتی و افزایش قدرت بازارهای ارزی، به عنوان اجزای اصلی فرایند جهانی شدن است. تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵)، انتشار نظریه دهکده جهانی مارشال مک لوهان (۱۹۶۵)، انتشار نظریه موج سوّم آلوین تافلر (۱۹۷۸)، پایان جنگ سرد (۱۹۸۹)، اتحاد پولی یازده کشور اروپایی (۱۹۹۸)، گسترش روز افزون سازمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی (نظیر آسه آن، نفتا و اکو)، ادغام بازارهای مالی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان، تأسیس «گات» (GAT) و در پی آن «سازمان تجارت جهانی» (WTO) در ۱۹۹۵ و... همگی از پیش زمینه‌های بروز پدیده جهانی شدن است که هرچه زمان پیش‌تر می‌رود، شدت و قدرت آن نیز بیشتر می‌شود.

شایان گفتن است که در این زمینه، رشد و پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری، در زمینه‌هایی مانند

---

۱. ری کیلی و فیل مارفلیت، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه حسن نورایی و محمد علی شیخ علیان، ص ۲۴۳..

حمل و نقل و رایانه و انقلاب انفورماتیک در دهه ۱۹۸۰، بسیار تأثیرگذار بوده است.<sup>۱</sup> با توجه به این مطلب، ابعاد گسترده و گوناگون «جهانی شدن»، برای ما آشکار می‌شود و حتی پی می‌بریم که «جهانی شدن» چیزی، یکپارچه، واحد و یکسان نیست؛ بلکه ما با «جهانی شدن»ها و ابعاد گوناگون آن روبه‌رو هستیم و خود جهانی شدن نیز امری متفرد، یک شکل و یکسان نمی‌باشد و با یک نوع «جهانی شدن» روبه‌رو نیستیم.

جهانی شدن، مبین نوعی جهان بینی و اندیشیدن درباره جهان، به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است. به قول برخی از متفکران: «جهانی شدن یک گزینه انتخابی نیست که شما اراده کنید آن را بپذیرید یا خیر؛ بلکه کاروانی است که هم زمان، در همه شاهراه‌های دنیا، به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آن را ندارند و مانند خاشاکی، در مقابل سیل برده خواهند شد... پیام بازیگران عرصه جهانی شدن نیز آن است که نیروهای اقتصادی و دانش فنی، به سمت همگونی و یکدستی، در اشکال سیاسی، اقتصادی و رفتارهای دولتی پیش خواهند رفت...»<sup>۲</sup> به این ترتیب، جهانی شدن آینده‌ای را نشان می‌دهد که در آن تصمیمات سیاسی و اجتماعی، در مقیاس جهانی، ناگزیر بر ساخت‌های مبتنی خواهد شد

۱. روزنامه جام جم، شماره ۶۳۵.

۲. دکتر علی اصغر کاظمی، جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ص ۸ و ۱۴.

که بتواند با پیچیدگی‌های وضعیت جهانی، هماهنگ شود: یک دستگاه پیچیده مدیریت و یک بازار بسیار منعطف و پویا که ضمن صرف نظر کردن از مشارکت مستقیم شهروندان، صرفاً با تلقی آنها به عنوان مشتری و مصرف کننده، می‌تواند با کارایی هر چه بیشتر عمل کند. به علت وقوع این تغییرات و تحولات گسترده و ژرف در جهان و اهمیت و جذابیت موضوع «جهانی شدن»، نمی‌توان آن را نادیده گرفت و از بحث و گفت و گو درباره آن چشم پوشید. الان مدعیان و نظریه پردازان «جهانی شدن» رو به فزونی نهاده است. شیعه نیز با ارائه نظریه «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام» در طول قرن‌ها و سال‌های متمادی، داعیه دار اصلی جهان شمولی در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و... بوده است. با توجه به این مطالب، در این نوشتار بر آنیم که بتوانیم از بحث‌های مطرح در زمینه «جهانی شدن» - ضمن ارائه چشم اندازی از آن - پلی برای فهم و درک «حکومت جهانی مهدوی» بزنیم و در اثبات و تقویت «نظریه بی بدیل مهدویت» تلاش کنیم. وضعیت کنونی جهان، با ضعف‌ها و قوت‌ها، نقاط مثبت و منفی، نظریه‌ها و آرمان‌ها، خواسته‌ها و نیازها و طرح‌ها و برنامه‌ها، بهترین و روشن‌ترین دلیل و برهان، بر اثبات ضرورت حکومت جهانی مهدی علیه السلام و نیاز به آن است؛ یعنی، نظریات ارائه شده درباره «جهانی شدن» و تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و راه‌کارهای عملی در این رابطه، می‌تواند فهم و درک ما را از «مهدویت» آسان کند؛

حقیقت آیات و روایات «ظهور منجی» را بهتر تبیین نماید؛ نیاز و احتیاج بشر به حکومت مقتدر و عدالت گستر را تعمیق بخشد؛ زمینه را برای ظهور او فراهم سازد؛ سطح آگاهی و بینش مردم را بالا برد؛ آنان را آماده پذیرش دولت کریمه و حکومت جهانی او گرداند؛ «عصر موعود» را بهتر نشان دهد و «اندیشه مهدویت» را فراگیر و جهانی کند.

حکومت جهانی مهدی علیه السلام، خط بطلانی بر انواع گوناگون حکومت‌ها، نظریات، برنامه‌ها و طرح‌های ارائه شده در عرصه جهانی است؛ به طوری که تمامی این نظریات و حکومت‌ها، امتحان خود را پس خواهند داد و مردم به پوچی، ضعف و بطلان آن پی خواهند برد و با آغوش باز، پذیرای «دولت مهدوی» خواهند بود؛ چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «امر ظهور واقع نمی‌شود، مگر بعد از آنکه هر طبقه‌ای به حکومت برسند و دیگر طبقه‌ای در روی زمین باقی نباشد که حکومت نکرده باشد؛ تا دیگر کسی نتواند ادعا کند که اگر زمام امور به دست ما می‌رسید، ما عدالت را پیاده می‌کردیم! آن گاه حضرت قائم علیه السلام قیام کرده، حق و عدالت را پیاده می‌کند».<sup>۱</sup>

مشکلات دائمی جهان (جنگ‌ها، عداوت‌ها، کینه‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها، ظلم‌ها و ستم‌ها)؛ نیازها و احتیاجات ضروری بشر (در زمینه اقتصاد،

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۷۴.

سرمایه گذاری، ارتباطات، بهداشت، رفع فقر مادی و معنوی و ...؛ الزامات و بایسته‌های جهان (در زمینه همگونگی و نزدیکی فرهنگ‌ها، علوم، افکار و اندیشه‌ها، تربیت اخلاقی و ...؛ ایده‌ها و آرمان‌های همیشگی بشر (صلح، دوستی، عدالت، نیکی، آرامش و ...؛ تجارب گذشته انسان‌ها (در نقص و ضعف دولت‌ها و حکومت‌های خود، جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها) و ... باعث خواست و طلب آگاهانه و عاشقانه «ظهور منجی و مصلح الهی» از سوی بیشتر انسان‌ها خواهد شد؛ چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «هر جمعیتی در انتظار دولتی هستند... اما دولت ما در آخر الزمان نمایان می‌گردد». نکته بدیهی و روشن این است که تصویر «حکومت جهانی مهدوی»، به روشنی و با ذکر تمامی خصوصیات و ویژگی‌های مثبت آن، چندین قرن پیش، از سوی پیشوایان معصوم شیعه، بیان شده است.

برنامه‌ها و فعالیت‌های دولت‌ها و اندیشمندان در این زمینه، باعث شده که فهم و درک ما از «دولت کریمه و جهانی» حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه آسان شود. اگر چند دهه پیش درباره «جهانی شدن» و «حکومت جهانی» سخن به میان می‌آمد، درک و فهم و پذیرش آن برای مردم، سنگین و آگاهی و دانش آنان در این باره، اندک و محدود بود. در این صورت بحث درباره «حکومت جهانی مهدی موعود» خام و غیر واقعی

می‌نمود و زمینه‌سازی برای پذیرش و باور داشت آن، مشکل به نظر می‌رسید. اما اینک به راحتی می‌توان، در این باره و ویژگی‌های «دولت کریمه»، صحبت کرد و از حقانیت و درستی آن دفاع نمود. همچنین می‌توان با بیان چارچوب‌های علمی و نظری آن، تئوری قابل قبولی در عرصه جهانی ارائه داد. اگر نتوانیم به درستی، ابعاد و زوایای مختلف اندیشه «مهدویت» را در عصر حاضر بازگو کنیم و نسبت و ارتباط آن را با «جهانی شدن» بسنجیم؛ از قافله اندیشه و گفتمان روز به دور خواهیم بود و نخواهیم توانست درک و فهم بشری را درباره آینده درخشان جهان به خوبی شکل دهیم.

در این نوشتار؛ با توجه به اهداف، مبانی و ویژگی‌های «جهانی شدن»، «جهانی کردن» و «جهانی سازی» و نیز مبانی، اهداف و ویژگی‌های «دولت کریمه مصلح موعود»، در صدیدیم رابطه آنها را - هر چند به طور خلاصه - مورد پژوهش قرار دهیم و این مطلب را روشن کنیم که روند و پروسه «جهانی شدن»، می‌تواند، پیش زمینه و مقدمه‌ای برای تشکیل دولت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام باشد.

فصل اول:

جهانی شدن، جهانی کردن  
و جهانی سازی

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، کلید واژه اساسی بحث‌ها و نظریات غالب در جهان معاصر، «جهانی شدن» است. «جهانی شدن» به این معنا است که تحوّل در جهان جریان دارد و نشانگر فرآیندی است که در آن اقتصاد، فرهنگ، سیاست و کارگزاران این امور، جهانی می‌شوند و در عرصه جهانی ظهور و بروز می‌یابند. «جهانی شدن» نشانگر یک تحوّل اجتماعی گسترده و فرآیندی است که بنیاد جامعه را تغییر داده، یک تحوّل تاریخی به وجود می‌آورد. تحوّل که همراه با فشردگی زمان و مکان، همسانی و هم‌شکلی بسیاری از امور و نزدیکی جوامع به یکدیگر است.

### ۱. پیدایش «جهانی شدن»

اصطلاح «جهانی شدن» در گذشته به عنوان یک اصطلاح جدّی و جا افتاده علمی، کمتر مورد توجه و کاربرد بود و به طور عمده از اواسط دهه



۱۹۸۰ به عنوان یک اصطلاح علمی، مورد استفاده قرار گرفت. به نظر رابرتسون مفاهیم جهانی شدن، بیشتر پس از انتشار کتاب مارشال مک لوهان تحت عنوان «اکتشافاتی در ارتباطات» در سال ۱۹۶۰ مورد توجه واقع شد (نظریه دهکده جهانی). جهانی شدن در حقیقت یکی از مراحل پیدایش و گسترش تجدد و سرمایه‌داری جهانی است که سابقه آن، به قرن پانزدهم باز می‌گردد.

«پل سوئیزی» درباره جهانی شدن و روند تدریجی آن می‌نویسد: «جهانی شدن، یک وضعیت یا یک پدیده (نو ظهور) نیست؛ بلکه یک روند است که برای مدتی بسیار طولانی، جریان داشته است. در واقع از زمانی که سرمایه‌داری، به عنوان یک شکل قابل دوام جامعه انسانی، پا به جهان گذاشت؛ یعنی، از چهار یا پنج سده پیش تا کنون، جهانی شدن هم جریان داشته است...»<sup>۱</sup>

«جهان گستری» قدمت طولانی در تاریخ دارد و اشخاص، دولت‌ها و مکاتب بسیاری (چون کورش، اسکندر، رومیان، کمونیست‌ها و...) در صدد جهانی کردن حکومت یا اندیشه خود بودند. ادیان الهی نیز همواره ادعای جهان شمولی داشتند و خود را محدود به یک زمان و مکان خاصی نمی‌کردند. این پدیده به طور نامنظم از طریق توسعه امپراتوری‌های مختلف قدیمی،

۱. پل سوئیزی و...، جهانی شدن با کدام هدف، ص ۷.

غارت و تاراج، تجارت دریایی و نیز گسترش آرمان‌های مذهبی، تحوّل یافته است. توسعه خطی «جهانی شدن» - که ما امروز شاهد آن هستیم - در قرون پانزده و شانزده؛ یعنی، آغاز «عصر جدید» شروع شد.

«جهانی شدن» - یا یک مفهوم بسیار شبیه به آن - ابتدا در توسعه «علوم اجتماعی» نمایان شد. سن سیمون دریافت که: «صنعتی شدن»، عامل پیشبرد «رفتارهای مشابه» در درون فرهنگ‌های متنوع اروپایی بوده است. استدلال وی این است که تسریع چنین فرآیندی، مستلزم نوعی انترناسیونالیسم جهانی، مبتنی بر «انسانیت» است. دورکیم و وبر نیز این مباحث را از زمینه‌های اجتماعی آن پی گرفتند. مارکس، به صورتی بسیار صریح و روشن، به تئوری جهانی کننده «نوگرایی» معتقد بود (بازار جهانی و...). اما به نظر مالکوم واترز ریشه‌های اصلی نظریه جهانی شدن نه از آثار جامعه‌شناسان؛ بلکه از نظریات عده‌ای از نظریه پردازان بازار نیروی کار در کالیفرنیا سرچشمه گرفته است؛ دانشمندانی نظیر کِر، دانلوپ، هاربی سان و می‌یرز، نظریه «ادغام بین جوامع» را مطرح می‌کنند که دارای دو جنبه است: ۱. جوامع صنعتی در مقایسه با جوامع غیر صنعتی، به یک دیگر شبیه‌تراند؛ ۲. فرایند صنعتی شدن، گرچه در جوامع مختلف، متفاوت است؛ اما این جوامع در گذر زمان، به طور فزاینده‌ای، به هم شبیه خواهند شد. نیروی

محرکه این جوامع، همان «منطق نظام صنعتی» است. آنان به این نتیجه رسیدند که: «جامعه صنعتی، یک جامعه جهانی است»؛ زیرا علم و تکنولوژی - که بنیان اصلی این جوامع را تشکیل می‌دهند - خود یک زبان مشترک جهانی دارند.<sup>۱</sup> بر این اساس تکنولوژی‌های تولید کالا، شباهت‌هایی میان جوامع ایجاد می‌کنند و لذا خصلت «اقتصادی» به «جهانی شدن» می‌دهند؛ چنان که برخی از نویسندگان به این نتیجه رسیدند که: «دنیا به دوره تمدن جهانی وارد می‌شود».

این تغییر و تحولات تا کنون ادامه دارد و جهان را در سیطره خود گرفته است. «جهانی شدن» با اینکه در ابتدا از اقتصاد شروع شد و مهم‌ترین مشخصه آن نیز اقتصادی بود و باراکلو استدلال می‌کند که این تحول را باید اقتصادی دانست؛ نه سیاسی و یا فرهنگی؛ اما بعدها به سمت فرهنگ و سیاست نیز کشیده شد و منظر و چشم اندازهای مختلفی را در این زمینه ایجاد کرد. از نظر رابرتسون - پرنفوذترین نظریه‌پرداز در زمینه جهانی شدن فرهنگی - در روند تحول و تکامل پیدایش نظام جهانگیر، چند مرحله (جنینی، آغاز، خیز، تعارض و عدم قطعیت) وجود دارد. وی درباره مرحله «خیز» می‌نویسد: «در این مرحله (از ۱۸۷۰ تا ۱۹۲۵) مفهوم جامعه

۱. ماکلوم واترز، جهانی شدن، ترجمه مردانی و مریدی، ص ۳۱.

ملی، به درستی جا می‌افتد و مفاهیم جهانی و جهانگیر، مطرح می‌شود... تحولات این دوره عبارت است از: پذیرش جوامع غیر اروپایی در جامعه بین‌الملل؛ پردازش و تنظیم اندیشه‌های بشریت (رسمیت یافتن مفهوم بشریت)؛ افزایش شکل‌های جهانی ارتباطات، ظهور جنبش‌های دینی گسترده؛ رقابت‌های جهانی (نوبل، المپیک و...)؛ پذیرش جهانی تقویم واحد؛ ازدیاد شکل‌های ارتباطات جهانی؛ پیدایش نخستین رمان‌های جهانی، ایجاد جامعه ملل؛ جهانی شدن محدودیت‌های مهاجرت و...»<sup>۱</sup>

## ۲. تعاریف «جهانی شدن»

۱. جیمز. ان، روزه نا در تعریف «جهانی شدن» می‌نویسد: «روندی نو که فعالیت‌ها و امور مهم را از خاستگاه‌های ملی قدرت، به عنوان پایه‌های دیرینه حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فراتر می‌برد».<sup>۲</sup>

چنانچه فرض شود ویژگی عمده این بعد از تغییرات، دگرگونی در عادت‌ها و هنجارها است؛ عبارت «جهانی شدن» را می‌توان به «آن چیزی» اطلاق کرد که دل مشغولی نوع بشر در

۱. رونالد رابرتسون، جهانی شدن (تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه کمال پولادی، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. جیمز. ان، روزه نا، پیچیدگی‌ها و تناقض‌های جهانی شدن، مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۲.

مورد محدودیت‌های سرزمینی و ترتیبات سنتی نظام دولت کشورها را دگرگون می‌سازد.

۲. گیدنز در رساله «پیامدهای مدرنیته» مفهوم «جهانی شدن» را وارد نظریه اجتماعی اش می‌کند و آن را «تقویت مناسبات اجتماعی جهانی که محل‌های دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعه محلی، تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگ‌ها فاصله دارد، شکل می‌گیرد و بر عکس» تعریف می‌کند.<sup>۱</sup>

از نظر وی «این پدیده، مجموعه‌ای از انتقال در حوزه زندگی، عواطف و روابط انسان‌ها با یکدیگر است... موضوع جهانی شدن، روابط عاطفی افراد و زندگی شخصی آنها و روابط محلی و منطقه‌ای است که به سراسر جهان کشیده است؛ نه صرفاً یک مسأله اقتصادی».<sup>۲</sup>

۳. به گفته اپادورایی: «جهان گرایی در بهترین وجه، به عنوان مجموعه‌ای از جریان‌های اطلاعات، تصاویر، مسائل مالی، مردم و فن‌آوری‌هایی شناخته می‌شود که ممکن است به طور فرضی، اقدامات ساختارهای قدرت از قبیل دولت - ملت‌ها را متوقف کند یا تسهیل بخشد».<sup>۳</sup>

۱. جان تاملینسون، جهانی شدن فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، ص ۷۲.

۲. آنتونی گیدنز، گفتارهایی درباره یکپارچگی جهان (جهان رها شده)، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی، ص ۱۳.

۳. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۳۹.

۴. به گفته هال و رابینز، جهانی شدن، صرفاً به منزله تحمیل یک نظم جهانی واحد، یا کارکرد فرهنگی (مثل غرب‌گرایی) نیست؛ بلکه فرایندی است که موقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی تازه به وجود می‌آورد. به گفته «فیدر ستون»، اینجا محیط وحدت‌آفرینی است که در آن تنوع هم می‌تواند وجود داشته باشد.<sup>۱</sup>

۵. در یک تعریف دیگر آمده است: «جهانی شدن، تشدید روابط اجتماعی در سرتاسر جهان که مکان‌های دور از هم را چنان به هم مرتبط می‌سازد که اتفاقات هر محل، زاده‌حوادثی است که کیلومترها، دورتر به وقوع می‌پیوندد و برعکس».<sup>۲</sup>

این تعاریف عمدتاً ناظر بر روند و پروسه «جهانی شدن» است و تقریباً نگاهی مثبت به آن تلقی می‌شود. البته همه نظریه‌پردازان و نویسندگان، یکسان نمی‌اندیشند و هر کدام از زاویه خاصی به موضوع «جهانی شدن» می‌نگرند. هم‌اکنون در مورد این مفهوم، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و تعابیر و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه می‌شود؛ لذا برخی از صاحب‌نظران مدعی‌اند که اصطلاح جهانی شدن، «اصطلاحی مبهم و نا شفاف» است. علت این

۱. همان، ص ۲۳۸.

۲. فصلنامه «پژوهش و سنجش»، شماره ۲۵، ص ۱۲۳.

امر، می‌تواند به جهت عدم تفکیک صحیح میان پروسه «جهانی شدن» با پروژه «جهانی کردن» و یا ابعاد و زوایای مختلف آن باشد.

در این راستا، عبارات و مفاهیم «جهانی‌گرایی، جهانی بودن، جهان‌گستری، جهانی‌سازی، دهکده جهانی، نظم نوین جهانی، جهان واحد، جهان رها شده، جهان‌شمولی، اتحاد بزرگ، سامان جهانی، جهان وطنی، همگرایی فرهنگی جهانی، نجات کره زمین، جهانی کردن، صحنه جهانی و...» مطرح شده است. نویسندگان و اندیشمندانی چون آلوین تافلر (موج سوم)؛ فرانسیس فوکویاما (پایان تاریخ)، ساموئل هانتینگتون (برخورد تمدن‌ها)؛ آلدوس هاکسلی (دنیای شگفت‌انگیز نو)؛ جرج اورول (حکومت واحد جهانی)؛ امانوئل والرستین (تأثیر فرهنگ در نظام جهانی) و... از نظریه‌پردازان مهم در عرصه «جهانی شدن» و «جهانی سازی» هستند که ذکر نظرات آنان در این نوشتار نمی‌گنجد.

در هر حال می‌توان تعریف زیر را - بدون توجه به پروسه‌های جهانی کردن و جهانی سازی - از «جهانی شدن» ارائه داد: «جهانی شدن، فرآیندی است که تمامی عرصه‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد و اجتماع را در هم می‌نوردد و جوامع انسانی را از جنبه‌های مختلف به یکدیگر نزدیک و مرتبط و مؤثر بر هم می‌سازد و مرزها و موانع اعتباری گذشته را از میان بر می‌دارد».

### ۳. ماهیت و مبانی «جهانی شدن»

برای تبیین مفهوم و ماهیت جهانی شدن، ناچاریم به طور دقیق آن را بررسی کنیم و تقسیم بندی نوینی از آن ارائه دهیم. به نظر می‌رسد در این رابطه با سه وجه مهم، اساسی و گاهی متمایز از هم، روبه‌رو هستیم که به اشتباه یا تسامح، به هر سه عنوان «جهانی شدن» اطلاق می‌گردد:

۱. روند و پروسه جهانی شدن (فرایندی طبیعی و تدریجی)؛ (Globalization)

۲. پروژه و برنامه جهانی کردن (غربی سازی)؛ (Westernization)

۳. پروژه جهانی سازی (آمریکایی سازی)؛ (Americanization=globalism)

«جهانی شدن»، یک روند و حرکت تدریجی، طبیعی و تکاملی را طی کرده و در عصر جدید، به مراحل بالایی از بالندگی و شکوفایی علمی، اقتصادی و تکنولوژیکی دست یافته است. به عبارت دیگر روند «جهانی شدن»، دستاورد مهم تمدن، علم و فن‌آوری بشر است و تا حدودی ذاتی و لازمه زندگی بشر و امری فطری است که باعث نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر و استفاده بیشتر از مواهب جهان است (هر چند ممکن است کارگزاران و عوامل مختلفی داشته باشد). جهانی شدن به معنای «عالمی شدن» است؛ یعنی، کسانی که در کره زمین زندگی می‌کنند،



به همه ابزار و وسایل رفاه، پیشرفت، آسایش، امنیت و... دسترسی داشته باشند. اما همین روند طبیعی، در حرکت رو به رشد و تکاملی خود، شاهد دست اندازی و دخل و تصرف قدرت‌های اقتصادی و سیاسی بزرگ، بوده و در بعضی موارد، در خدمت منافع و آمال آنها قرار گرفته است (جهانی کردن). به عبارت روشن‌تر، قدرت‌های پیشرفته غربی و صاحبان شرکت‌های بزرگ اقتصادی و تجاری و... این روند را در خدمت منافع خود گرفته‌اند و به نوعی خود را بر این فرایند طبیعی، تحمیل کرده و حتی در مسیر حرکت آن، انحراف ایجاد کرده‌اند.

پروژه «جهانی سازی» نیز دقیقاً همان آمریکایی سازی و تحت سلطه قرار دادن کل جهان، از سوی ایالات متحده امریکا است و امری کاملاً متمایز با روند «جهانی شدن» است. البته به علت در هم تنیدگی این سه چشم انداز، مجبوریم در این نوشتار، هر سه را در کنار هم مورد توجه قرار دهیم.

«جهانی شدن» بر ایجاد جهانی با ارزش‌های مشترک و احترام به مبانی فرهنگی دیگران و «جهانی سازی» و «جهانی کردن» بر ساخت جهانی با ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و خالی از هر گونه تفاوت و تمایز در همه عرصه‌ها تأکید می‌کنند. «جهانی کردن» در صدد تسلط اقتصادی و فرهنگی بر کل جهان و بهره برداری از آن به

نفع نظام سرمایه‌داری غربی است. «جهانی شدن»، فرایندی است گریزناپذیر که شکل تکامل یافته پیشرفت‌های بشری در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. اما «جهانی سازی»، فرایندی است که مشخصاً در راستای تأمین منافع و نیز مسلط کردن ارزش‌های مورد نظر قدرت برتر در عرصه جهانی، بر سایر دولت‌ها و ملت‌ها است. گروهی از اندیشمندان بر این مسأله تأکید دارند که فرایند «جهانی شدن» یک واقعیت است و پروژه «جهانی کردن» و «جهانی سازی»، حاکی از ایدئولوژی و راهبرد برخورد با فرایند «جهانی شدن» است.<sup>۱</sup>

بر این اساس ماهیت و مبانی سه منظر و چشم انداز یاد شده، عبارت است از:

۱. فرایند «جهانی شدن»؛ درباره چیستی و ماهیت جهانی شدن توضیحاتی چند داده شد؛ اما درباره مبانی آن گفتنی است که همواره و در طول تاریخ، ایده‌ها و آرمان‌های بشری، در صدد رسیدن به «جامعه جهانی» و اتحاد - نه یکپارچگی - بوده و بیشتر ناشی از احتیاجات و نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بشر بوده است؛ یعنی، احساس می‌کرده که با نزدیکی و ارتباط جوامع جهانی با یکدیگر، بهتر می‌تواند

۱. ر.ک: فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

خواسته‌ها و نیازهای معنوی و مادی خود را تأمین کند. مبنای دیگر آن را نیز می‌توان در «فطرت» و «گوهر» انسان‌ها دانست. آنان فطرتاً تمایل به نزدیکی، اتحاد، شناخت یکدیگر، برقراری ارتباطات فکری و فرهنگی و دوستی با هم دارند. قرآن می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا»<sup>۱</sup>. اما متأسفانه این تمام قضایای جهانی شدن نیست؛ زیرا این روند، پیوندهایی با سرمایه‌داری جهانی برقرار کرده و از این جنبه دچار کاستی‌ها و کژتابی‌هایی شده است.

۲. پروژه «جهانی کردن»: این پروژه عمدتاً اقتصادی و فرهنگی است؛ هر چند در گذشته بیشتر جنبه اقتصادی و نظامی داشت و مبنای اصلی آن در سرمایه‌داری؛ یعنی، سود و منفعت بیشتر نهفته است. در مقدمه کتاب «دام جهانی شدن» آمده است: «جهانی شدن، بدون تردید بارزترین وجه تمایز اقتصاد دیروز و امروز است. گسترش روز افزون سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی و اتحادیه‌های اقتصادی منطقه‌ای (نظیر آسه آن، نفتا و اکو)، ادغام بازارهای مالی، اتحاد پولی کشورهای اروپایی، ادغام بانک‌های بزرگ جهان و تأسیس سازمان تجارت جهانی و در پی آن آزاد سازی تبادل کالا و نقل و انتقال

۱. حجرات (۴۹)، آیه ۱۳.

سرمایه بین کشورها و ادغام شرکت‌های تولیدی بزرگ، همه از مظاهر «جهانی کردن» اقتصاد است.

البته جهانی شدن، پدیده‌ای صرفاً اقتصادی نیست؛ اما اقتصاد با اهمیت‌ترین بعد آن است؛ زیرا در نظام سرمایه‌داری - که سودای رهبری جهان کنونی را در سر دارد - سیاست و فرهنگ، تا حد بسیاری، تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی قرار دارد.<sup>۱</sup> پس جهانی کردن اقتصاد، به دنبال تحوّل عمیق سرمایه‌داری و حاکمیت نظام سلطه و مبادله نامتوازن صورت می‌پذیرد. این پروژه، اوج پیروزی سرمایه‌داری جهانی و حاکم شدن رقابت بی‌قید و شرط در سراسر گیتی است.

۳. پروژه جهانی سازی؛ جهانی سازی، جنبه نظامی، سیاسی و حتی اقتصادی پروژه‌های است که ناشی از سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان ایالات متحده امریکا است. به عبارت دیگر «جهانی سازی» همان «امریکایی سازی» است و در واقع تحمیل الگوهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امریکا، بر سایر کشورها است؛ همان چیزی که از آن به «نظم نوین جهانی»، «نظام

۱. ر.ک: دام جهانی شدن (تهاجم به دموکراسی و رفاه)، نشر اندیشه معاصر، ص ۱۵ (مقدمه مترجم با کمی تغییر و خلاصه).

تک قطبی» و «امپراتوری جهانی امریکا» تعبیر می‌شود و عمدتاً بعد از فروپاشی شوروی، مطرح شده است.

ژانگ مین گیان می‌گوید: «دولت آمریکا به مثابه تنها ابرقدرت و کشوری که تأثیری چشمگیر در تحولات بین‌المللی دارد، به جای تلاش برای «جهانی شدن» متکی بر برابری و احترام متقابل؛ بر آن است که «جهانی شدن» را به «امریکایی شدن» تبدیل کند. هدف امریکا از این تلاش، مشابه هدف سنتی آمریکا در لیبرالیزه کردن اقتصاد و دموکراتیزه کردن سیاست جهانی است که همان تعمیم دادن نظام سیاسی و ارزش‌های امریکایی، در سراسر جهان است. در پدیده «جهانی شدن» هیچ نکته تازه‌ای جز تأکید آمریکا بر تحقق اهداف خود، در شرایط بسیار مساعدی که جهانی شدن پدید آورده است، چشم نمی‌خورد»<sup>۱</sup>.

با توجه به دو منظر یاد شده و ارتباط مستقیم آنها با «سرمایه‌داری»، اساس پروژه‌های «جهانی کردن» و «جهانی سازی» را باید در سود بیشتر، رفاه، مادی‌گرایی، خروج از بحران و... جست و جو کرد. به عبارت دیگر مبنای اصلی این دو برنامه، «سرمایه‌داری» است که اساس آن هم در «سود بیشتر و منفعت فزون‌تر»

۱. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۱.

نهفته است. به نظر دنیس رانگ: «سرمایه‌داری مجموعه‌ای است پیچیده از ویژگی‌هایی که به یکدیگر وابسته‌اند. مهم‌ترین این ویژگی‌ها، تعیین قیمت از سوی بازارهای آزاد و تولید کالا با هدف «کسب سود» است و ابزار حفظ آن نیز در روابط میان سرمایه خصوصی و طبقه‌ای از کارگران مزد بگیر است که آزاد اما فاقد مالکیت هستند».<sup>۱</sup>

مبنای دیگر این دو پروژه، ریشه در افکار و آرای سیاسی غرب در رابطه با انسان و جهان دارد. بر این اساس، لیبرالیسم، اومانیسم، سکولاریسم، ماتریالیسم و... می‌توانند مبانی سیاسی و فرهنگی این دو را تشکیل دهند. از آنجا که غربی‌ها نسبت به انسان، دیدی مادی، دنیوی و خود محورانه دارند؛ سعی می‌کنند که برنامه‌ها و راهبردهای خود را نیز به این سمت بکشانند و همه چیز را در اختیار و خدمت خود در آورند؛ هر چند در اتخاذ خط و مشی‌ها، راهبردها و تاکتیک‌ها، مواضع و رفتارهای جداگانه و متفاوتی دارند.

#### ۴. رهیافت‌ها، داعیه داران و اهداف

با توجه به بحث‌های نظری و اقدامات عملی در - در هر سه چشم انداز یاد شده، - می‌توان

---

۱. باری اکسفورد، نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه مشیرزاده، ص ۱۵۱.

جریان‌ها و داعیه‌داران «جهان گرایی» و اهداف آنها را در سه محور و رهیافت اساسی زیر دسته بندی کرد:

۱. رهیافت اقتصادی؛ ۲. رهیافت فرهنگی؛
۳. رهیافت سیاسی.

#### ۴-۱. رهیافت اقتصادی

مهم‌ترین و تاریخی‌ترین بعد جهانی شدن، «اقتصاد» است. در اینجا جهانی شدن تولید، توزیع، نیروی کار، تکنولوژی و صنعت، سرمایه و پول، سود و بهره زیاد و... در چهارچوب تقسیم کار بین المللی مد نظر است.

دورنمای اقتصادی جهانی شدن و... چنین است:

- شرکت‌های عظیم و غول پیکر، نبض اقتصاد جهان (سرمایه‌داری) را در دست دارند؛
- پول واحد جهانی شکل می‌گیرد؛
- فقر، نابرابری، بی‌کاری و... از بین خواهد رفت؛

- جهانی شدن، تصویری از یک بازار عنان گسیخته و نوسازی (مدرانی‌السیون) بی‌امان را القا می‌کند؛

- جهانی شدن، به عنوان نیروی همانند ساز بازار جهانی عمل می‌کند؛

- اقتصاد سرمایه سالاری و لیبرالی جهانی شده و اصول اقتصاد ملی کم‌رنگ خواهد شد... و ده‌ها ویژگی و خصیصه دیگر که برای

«جهان همگون و یک رنگ» در چشم اندازه‌های سه گانه آن ترسیم شده است. همه اینها تحت عناوین فریبنده و تظاهرآمیز زندگی بهتر، دنیای کوچک‌تر، همگرایی و یکپارچگی، نجات زمین و... مطرح شده است.

در این رهیافت، مکاتب، سازمان‌ها و قدرت‌های زیر نقش اساسی دارند:

- نظام سرمایه‌داری، با به کارگرفتن عوامل تولید و توزیع کالاها، خدمات، امکانات، تکنیک‌های ارتباطی و اطلاعاتی برای هر چه گسترده‌تر کردن حوزه‌های فعالیت اقتصادی و فراگیر ساختن آن در سراسر کره زمین. بر این اساس کشورهای صنعتی بزرگ (به خصوص هفت کشور صنعتی دنیا)، فعالیت‌های گسترده‌ای را در رابطه با جهانی شدن صنعت و سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر و رهایی از بحران نظام سرمایه‌داری داشته‌اند. (پروژه جهانی کردن)

- شرکت‌های چند ملیتی و مؤسسات بزرگ مالی و اعتباری، از کارگزاران مهم پروژه «جهانی کردن» اقتصاد هستند که در زمینه‌های خدمات مالی، اعتباری، توزیع، صادرات و با هدف کسب درآمدهای فراوان و تحت سیطره قرار دادن منابع اقتصادی جهان، فعالیت‌های گسترده‌ای در کل جهان دارند.

- برخی از سازمان‌های بین‌المللی (صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی و بانک



جهانی)، از پیش قراولان اقتصادی «جهانی شدن» می‌باشند و هدف خود را رفع فقر و نابرابری از جهان و تقسیم سود و سرمایه مناسب(!) در همه جای دنیا می‌دانند (البته با اعتقاد به باز بودن عرصه فعالیت آزاد اقتصادی).

#### ۲-۴. رهیافت فرهنگی

بعد مهم دیگر جهانی شدن، «فرهنگ» است. در این بعد، جهانی شدن ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هنجارهای معنوی و دینی، هنجارهای غربی، ترویج و اشاعه فرهنگ‌های برتر و... مطرح است.

۱. دورنمای فرهنگی و اجتماعی این پدیده عبارت است از:

- یوتوپای جامعه جهانی از قواعد مشترکی تبعیت می‌کند؛
- در آن جوامع، فرهنگ‌ها، حکومت‌ها و اقتصادها تا حدودی به هم نزدیک‌تر می‌شوند؛
- رویدادهای محلی، تحت تأثیر حوادث جهانی شکل می‌گیرد؛
- رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی دور از هم، با بافت‌های محلی پیوند می‌خورد؛
- جهان به شبکه‌ای از روابط اجتماعی تبدیل شده است؛
- انسان‌ها دارای خصوصیات و بینش‌های مشترک می‌شوند(!)؛
- مردم، فرهنگ‌ها، جوامع و تمدن‌ها، در تماس منظم و غیر قابل اجتناب قرار می‌گیرند؛
- جهان امروز، به سوی تشکیل یک دهکده

واحد جهانی پیش می‌رود؛

- برنامه‌های درسی مدارس، بین‌المللی می‌شود (آموزش و پرورش جهانی)؛

- روندهای جهانی، مستقیم یا غیر مستقیم، وضعیت آینده بهداشت را مشخص می‌کنند؛

- تجدید حیات فعلی مذهبی، از فرآیندهای جهانی، تفکیک‌ناپذیر است؛

- فرهنگ واحدی، تمام افراد روی زمین را در بر خواهد گرفت و جانشین تنوع نظام‌های فرهنگی خواهد شد؛

- سبک زندگی در سراسر جهان استاندارد می‌شود؛

- لباس پوشیدن، عادات‌های غذایی، شکل معماری و موسیقی، سبک زندگی شهری (مبتنی بر تولید صنعتی) و... تحت سلطه فرهنگ

مصرفی سرمایه‌داری «غربی» قرار خواهد گرفت؛

- جهانی بودن، به معنای بدون حد و مرز بودن فرهنگ است؛

- انقلاب اطلاعاتی، پیش‌قراول عصر تازه‌ای است؛

- تمدن جدید جهان را فرا پوشانیده و همه بشریت را در خود سهیم ساخته است؛

- جهان‌گستری، زبان انگلیسی را به عنوان رسانه خود به کار می‌برد.

ادیان و مذاهب بزرگ جهانی، عموماً منادی «جهانی شمولی» در عرضه فرهنگ، اخلاق و آیین واحد هستند و در صدد بسط و گسترش

فرهنگ توحید، معنویت و دیانت در سراسر جهان

می‌باشند و همگان را به یکتاپرستی دعوت می‌کنند.

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و فن آوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی (اینترنت، تلویزیون و ماهواره و...)، قدرت‌های برتر در عرصه «جهانی شدن» اطلاعات و فرهنگ می‌باشند و هدف آنان اشاعه و گسترش فرهنگ، علم، هنر و... و تبلیغ کالاها و تولیدات صنعتی است. این رسانه‌ها، هم می‌توانند در روند «جهانی شدن» به ایفای نقش پردازند و هم خود پروژه «جهانی کردن» و «غربی سازی» را پی‌گیری کنند.

برخی از نهادها و سازمان‌های زیر نظر سازمان ملل، فعالیت‌های جهانی شمولی دارند؛ یونسکو خواستار برقراری نظم نوین جهانی در ارتباطات بود.

هیأت‌های حاکم کشورهای غربی، بحث جهانی شدن را به منظور اشاعه فرهنگ غرب، در سراسر جهان، مطرح می‌کنند (غربی سازی جهان).

#### ۴-۳. رهیافت سیاسی

«سیاست»، بعد دیگر و فرعی جهانی شدن است که با استفاده از پیامدها و الزامات جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، نقشی اساسی در تحولات عصر ایفا می‌کند. تضعیف دولت - ملت‌ها، تضعیف حاکمیت‌های ملی، گسترش دموکراسی، آزادی و حقوق بشر (!) شکل و نوع

حکومت‌ها، نقش مؤثر مردم و... از مؤلفه‌های این بعد به شمار می‌رود.

دورنمای سیاسی آن عبارت است از:

- جامعه‌ای که در آن، آخرین مرز حذف خواهد شد (مرزهای طبیعی و جغرافیایی)؛
- دموکراسی غربی - به عنوان شکل نهایی حکومت - جهانی و نهادینه خواهد شد(!)؛
- نقش دولت‌ها به عنوان تجسم حاکمیت ملی کم رنگ می‌شود؛

- جهانی شدن، مسائلی چون بحران، جنگ، بی عدالتی، نابرابری و تخریب محیط زیست را به موضوعی جهت دموکراسی جهانی تبدیل می‌کند؛
- مرزهای طبیعی و جغرافیایی از بین خواهد رفت؛
- جهانی شدن پایان نوسازی سیاسی به سبک دولت - ملت است؛

- حد و مرزهای مجازی - به ویژه حد و مرزهای مربوط به دولت و ملت - درهم می‌شکند.

اسلام، تنها دینی است که ادعای «جهانی شدن» در عرصه سیاست و اجتماع را دارد و شیعیان با ارائه «نظریه مهدویت»، سهم مهمی در این زمینه دارند. هدف اسلام، تشکیل حکومت جهانی و گسترش دین در سراسر کره خاکی است (حکومت جهانی اسلام).

قدرت‌های بزرگ - به خصوص امریکا - در صدد تشکیل حکومت جهانی و سلطه بر کل

عالم هستند و به سمت هژمونی غرب و تشکیل امپراتوری جهانی پیش می‌روند. امریکا و متحدان نزدیک اروپایی آن، خود را حافظ آزادی، آزادی اطلاعات، جهان آزاد و دموکراسی جهانی و نظایر آن می‌دانند. اما هدف اصلی آنها تسلط بر جهان و تشکیل حکومت واحد جهانی تحت نظم نوین جهانی است (آمریکایی سازی).

سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی (سازمان ملل، شورای امنیت و...) از فعالان و برنامه‌ریزان «جهانی شدن» در بعد سیاسی و اجتماعی هستند و اکثر دولت‌های جهانی نیز با پیوستن به این سازمان، حضور فعالی در عرصه‌های حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی، حفظ محیط زیست و... دارند.

دانشمندان و نظریه پردازان علوم سیاسی و امور بین‌الملل و برخی از مکاتب سیاسی، از پیشگامان ارائه بحث‌های «جهانی شدن» هستند که هدف برخی تحقق بخشیدن به آرزوی بشر در «آزاد سازی جهان» (جهانی شدن) و هدف گروهی دیگر همراهی با سلطه‌گران و توجیه رفتارهای آنها (آمریکایی سازی) است.

مارکسیسم و حتی فاشیسم (در شوروی و آلمان)، تا چند دهه اخیر، رؤیای تشکیل نظام فراگیر جهانی را در سر می‌پروراندند.

با توجه به این تقسیم بندی، روشن می‌شود

که طیف‌های مختلفی در عرصه «جهانی شدن»

فعال هستند و هر یک به نوعی در صدد ارائه راه کارها، برنامه‌ها و خطی و مشی دولت‌ها و مردم، نسبت به «جهانی شدن» می‌باشند. برخی از اینها در صدد ایجاد همگونی و یکپارچگی جهان‌اند؛ برخی به سمت استیلا و سلطه بر کل جهان پیش می‌روند؛ بعضی در صدد ارائه راه‌کاری برای توسعه، پیشرفت و سعادت بشر می‌باشند و عده‌ای نیز بر نزدیکی و اتحاد کشورها و یکسان سازی نظر دارند.

### ۵. ویژگی‌های جهانی شدن و جهانی سازی

ما در حال ورود به برهه‌ای از زمان هستیم که تا کنون بدین شکل در طول تاریخ سابقه نداشته و تجربه‌ای کاملاً نوین و جذاب فرا روی بشر قرار داده است. نزدیکی انسان‌ها، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و اقتصاد جهانی به یکدیگر، در ظاهر به سود همگان و مفید برای همه است و امری الزامی و اجتناب ناپذیر می‌باشد. این جریانی بسیار عظیم با هجمه‌ای بسیار وسیع است. جهانی شدن، دوره تازه‌ای در تمدن رایج کنونی و حاکم بر جهان است که بر اثر انقلاب‌ها و تحولات در عرصه اطلاعات و ارتباطات پیش آمده است. نویسندگان و اندیشمندان، پاره‌ای از ویژگی‌ها و نشانه‌های «جهانی شدن» را برشمرده‌اند که می‌توان به چند ویژگی مهم «جهانی شدن» اشاره کرد:

## ۵-۱. فرهنگ جهانی واحد

عده‌ای بر این عقیده‌اند که: هنجارها، ایستارها و ارزش‌های تقریباً یکسانی، بر جوامع حاکم خواهد شد (البته با حفظ برخی از سنن و ارزش‌های محلی و منطقه‌ای)، و مردم جهان، تابع یک فرهنگ واحد، برتر و غالب خواهند شد و هویت و ماهیت خود را بر آن اساس تبیین خواهند کرد. در سطح فرهنگی باید از ظهور «جامعه مدنی جهانی» سخن گفت. رابرتسون می‌نویسد: «فرهنگ در نظریه نظام جهانی به ملاحظه مهمی تبدیل شده است. در واقع ما به نقطه‌ای نزدیک می‌شویم که توجه به فرهنگ، وجهی از نظریه‌پردازی در قالب نظریه نظام جهان تبدیل می‌شود... عرصه جهانی در کل، نظام اجتماعی - فرهنگی است که از درهم فشردن فرهنگ‌های تمدنی، جوامع ملی، جنبش‌ها و سازمان‌های درون ملی و میان ملی، خرده - جوامع و گروه‌های قومی، شبه گروه‌های درون جامعه‌ای... ناشی شده است. به موازات پیشرفت عمومی جهانی شدن، فشارهای متزایدی بر این واحدها وارد می‌شود تا «هویت» خود را در رابطه با شرایط جهانی - بشری تعریف کنند»<sup>۱</sup>.

البته تاکنون چیزی به طور کامل روی نداده

۱. جهانی شدن، ص ۱۴۹ و ۱۳۷.

و احتمال وقوع آن - با وجود آداب، رسوم، سنن، فرهنگ و هنجارهای گوناگون - در آینده نیز ضعیف است؛ اما به هر حال ایده‌ها و افکار عده‌ای از سیاستمداران و کارگزاران جهانی شدن، بدین سمت پیش می‌رود و فعالیت رسانه‌های ارتباط جمعی و مطبوعات، در این زمینه تمرکز یافته است.

### ۵-۲. ایدئولوژی واحد جهانی

برخی از نظریه پردازان غربی، اعتقاد دارند که به زودی لیبرالیسم غربی، سلطه خود را بر سراسر زمین تثبیت خواهد کرد و مردم جهان از مزایا و محاسن دموکراسی غربی بهره‌مند خواهند شد!!) فوکویاما اصلی‌ترین نظریه پرداز موضوع یاد شده است. او می‌نویسد: «اندیشه لیبرال می‌رود تا در پهنه کره زمین از نظر روانی، به طور واقعی تحقق یابد. در میدان ایدئولوژی و نبرد اندیشه‌ها، لیبرالیسم پیروز گردیده و هیچ رقیب و هم‌وردی در برابر خود ندارد». پیروزی اندیشه در فرهنگ لیبرال - دموکراسی به معنای آن است که زمینه منازعه تاریخ ساز از میان رفته و به عبارت فوکویاما، تاریخ به اتمام رسیده است: «محتماً آنچه ما شاهد آن هستیم، نه فقط پایان جنگ سرد؛ بلکه پایان تاریخ است؛ نقطه پایان تحوّل ایدئولوژی و تئوری "برخورد تمدن‌ها" بشریت و جهانی شدن دموکراسی غربی، به



عنوان شکل نهایی حکومت».<sup>۱</sup> این نظریه امروزه، پایه و اساس آمریکایی سازی جهان قرار گرفته است؛ چنان که خود وی می گوید: به نظر من «جهانی شدن، همان امریکایی شدن است؛ چرا که امریکا از برخی جهات، پیشرفته ترین کشور سرمایه داری در جهان امروز است و همین طور نهادهای آن، نمایانگر پیشرفت و توسعه منطقی نیروهای بازار است... قطعاً امریکایی شدن با جهانی شدن یکی است!!»<sup>۲</sup>

از طرف دیگر اکنون شاهد حرکت جهان شمول ارزش ها و نهادهای سیاسی - اجتماعی غربی، در تمام جهان و تحت لوای «جهانی شدن» هستیم که در واقع از طریق آن، زمینه سلطه کامل کشورهای غربی بر جهان فراهم می آید (غربی سازی). مانع عمده و اصلی این حرکت، بیداری و روشنفکری مسلمانان و رشد و بالندگی جنبش ها و حرکتهای اسلامی است که روز به روز فراگیر می شود و لیبرالیسم غربی را به چالش اساسی می کشاند. همچنین با ارائه نظریه «مردم سالاری دینی» از سوی ایران، انحصار و یکه تازی نظریات غربی، زیر سؤال رفته است.

۱. حسین سلیمی، فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ص ۱۲۹.

۲. روزنامه جام جم، شماره ی ۶۹۳، ص ۸.

بر این اساس احتمال استقرار ایدئولوژی واحد جهانی، مشکل به نظر می‌رسد و در صورت تفوق احتمالی آن، جهان دچار چالش‌ها و گسست‌هایی عظیم خواهد شد.

### ۳-۵. ارتباطات جهانی

یکی از ویژگی‌های این پدیده، گسترش اطلاعات و ارتباطات جهانی در عرصه رسانه‌ها، ماهواره، تلفن، اینترنت و... است که نکات مثبت و منفی زیادی در آن وجود دارد و طلایه دار اصلی «جهانی شدن» به شمار می‌آید. آثار تسریع کننده ارتباطات الکترونیکی و حمل و نقل سریع، موجب ایجاد تأثیر ساختاری شده است که مک لوهان آن را «انفجار اطلاعات» می‌نامد. منظور وی از انفجار اطلاعات، این است که از این طریق، تمام جنبه‌های تجارب انسانی، در یک مکان جمع می‌شود و هر انسانی، می‌تواند به طور هم‌زمان، حوادث و مناظری را که بسیار دورتر از وی هستند، احساس و لمس کند. مدارهای الکتریکی، نظام زمان و مکان را در هم می‌نوردد و امور مربوط به سایر افراد بشر را به طور مستمر و هم‌زمان، در پیش دیدگان ما قرار می‌دهد. این پدیده یک بار دیگر گفت و گو در مقیاس جهانی را مطرح می‌کند. پیام این گفت و گو، یک تغییر تمام عیار است.<sup>۱</sup>

۱. مالکوم واترز، جهانی شدن، ص ۵۸.

«پیتر به یر»، در مقدمه کتاب خود با عنوان «مذهب و جهانی شدن» می‌گوید: قدرت فن آوری، برقراری ارتباط سریع، در فضای تقریباً نامحدود را امکان‌پذیر ساخته است؛ به علاوه رسانه‌های جدید تقریباً در همه نقاط کره زمین، در اختیار کاربران آنها قرار دارند. توانش ارتباطات بین‌المللی به کارکرد واقعی تبدیل گشته است. بنابراین ما در دوره یک واقعیت اجتماعی «جهانی شدن» زندگی می‌کنیم. واقعیتی که در آن از موانع پیش از این مؤثر بر ارتباطات، اثری به چشم نمی‌خورد. به گفته «به یر» نتیجه این می‌شود که مردم، فرهنگ‌ها، جوامع و تمدن‌هایی که پیش از این کم و بیش منزوی از یکدیگر بودند، اکنون در تماس منظم و تقریباً غیر قابل اجتناب قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup> الان بسیاری از مردم جهان، با استفاده از اینترنت، ماهواره و رسانه‌های مکتوب، از آخرین و کوچک‌ترین اخبار و حوادث جهان، مطلع می‌شوند و در ارتباط مستمر با سراسر جهان هستند. با توجه به این مطلب «جهانی شدن»، امری حتمی و غیر قابل گریز تلقی می‌شود و بایسته‌ها و الزامات خاص خود را می‌طلبد.

#### ۴-۵. اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی

اولین طلایه‌های «جهانی شدن» در حوزه

۱. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۱.

اقتصاد و سرمایه‌گذاری، رشد و گسترش پیدا کرد و سپس به حوزه‌های دیگر سرایت کرد. هنوز عده‌ای «جهانی‌شدن» را در بعد «اقتصادی» آن می‌بینند و رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، از آن اقتصاد دانان است که بر پایه همبستگی بیش از پیش اقتصادی و ادغام همه اقتصادهای ملی، در یک اقتصاد و در محدوده بازار سرمایه‌داری می‌نگرند. هاری مگداف می‌نویسد: «نظریه‌ای که به طور وسیع مورد قبول قرار گرفته، فرسایش حاکمیت ملی را در کانون‌های سرمایه‌داری تصور می‌کند که باید از قرار معلوم، جای خود را به یک «بین‌الملل» سرمایه بدهد که قوانین حاکم بر روابط بین‌المللی را ایجاد کرده، تقویت و تحکیم خواهد بخشید.»<sup>۱</sup>

جان تاملینسون نیز درگیری دولت‌ها در اقتصاد جهانی را، نشانه‌ای از جهانی شدن می‌داند: «... اکنون جهانی شدن دارد دنیا را به یک «مکان واحد»، تبدیل می‌کند. نمونه‌های بدیهی این امر، درگیر شدن امور اقتصادی دولت‌های ملی و درآمدن آنها به صورت یک اقتصاد سرمایه‌داری جهانی، یا تبدیل سریع اثرات زیست محیطی صنایع محلی به مسائل جهانی است...»<sup>۲</sup> در این راستا تأسیس گات (GAT) و

۱. هاری مگداف...، جهانی شدن با کدام هدف، ص ۷۲.

۲. جان تاملینسون، جهانی شدن و فرهنگ، ص ۲۵.

سازمان تجارت جهانی، مهم‌ترین گام در به وجود آمدن اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی است. در هر حال ترویج گران این دیدگاه، پیروزی قطعی نظام‌های سرمایه‌داری غربی را می‌ستایند و مدعی اند که بازیگران آزاد، بر مهندسان اجتماعی چیره شده‌اند. بر این اساس اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی و شبکه ارتباطات بین‌المللی در حال حاضر، دو رکن پیش قراول در عرصه «جهانی شدن» به شمار می‌آید.

یکی دیگر ویژگی‌های اقتصادی این پدیده، ظهور شرکت‌های عظیم و غول پیکری است که در اقتصادهای ملی سراسر جهان فعالیت کرده، بر این اقتصادها تأثیر می‌گذارند. امروزه در سطح جهان، گروه‌های بسیاری بر این باورند که «جهانی شدن اقتصاد»، معنایی فراتر از سلطه بلامنازع شرکت‌های بزرگ بین‌المللی و شرکت‌های چند ملیتی بر بازارهای جهان ندارد. تا اوایل دهه ۱۹۹۰، حدود ۳۷ هزار شرکت فراملیتی وجود داشت که برپیش از ۲۰۰ هزار شرکت وابسته خارجی، در کشورهای مختلف جهان، کنترل داشته و معادل بیش از ۴/۸ تریلیون دلار، کالا به فروش رساندند. جمع فروش ۳۵۰ شرکت غول پیکر جهان، با قریب به یک سوم جمع تولید ناخالص ملی پیشرفته‌ترین

کشورهای سرمایه‌داری دنیا، برابری می‌کرد...<sup>۱</sup>

### ۵-۵. سیاست و تضعیف دولت‌های ملی

علاوه بر اقتصاد، بحث‌های گسترده‌ای نیز درباره جهانی شدن «سیاست» وجود دارد که مهم‌ترین آنها، تضعیف موقعیت نهادهای دولتی و تقویت سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است. بر این اساس، دولت‌ها و سیاستمداران، در یک فرآیند بین‌المللی و جهانی، با هم تعامل می‌کنند و تصمیم‌گیری و فعالیت جمعی دارند. «جهانی شدن، بزرگ‌ترین تهدید برای الگوی دولت - محور است... در نتیجه این فرآیند، توانایی دولت‌های ملی در اتخاذ اقدامات مستقل در اجرای سیاست‌های خود محدود شده، کنترل آنها بر کالاها - تکنولوژی و اطلاعات کاهش می‌یابد و حتی اختیار آنها در تبیین قواعد و قانون‌گذاری، در محدوده سرزمین ملی نیز تنزل پیدا کرده است».<sup>۲</sup>

از لحاظ سیاسی، با ظهور و گسترش اختیارات نهادهای سیاسی جهانی، تحولات چشمگیری در حوزه قدرت و حاکمیت دولت‌های ملی و ماهیت نظام بین‌المللی، رخ نموده است. سازمان ملل متحد و سایر نهادهای جهانی، از

۱. همان، ص ۲۹.

۲. کنت نش، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر؛ جهانی شدن سیاست و قدرت، ص ۱۰ (مقدمه).

جمله مهم‌ترین بازیگران سیاسی در سطح بین‌المللی هستند که قدرت تصمیم‌گیری در سطح جهانی دارند... دیگر دولت‌های ملی به خودی خود، نمی‌توانند حریفی برای برخورد با چنین مسائل حیاتی جهانی باشند. در نتیجه استقلال عمل سازمان‌های بین‌المللی در حوزه تصمیم‌گیری، رو به افزایش بوده است.

در یک تحلیل دیگر، پدیده‌ای که امروز از آن به عنوان «جهانی‌سازی» تعبیر می‌شود، چیزی نیست جز تلاشی هماهنگ، برنامه‌ریزی شده، مقتدرانه و همه‌جانبه برای تشکیل یک «حکومت واحد جهانی» و سیطره قدرتمندانه به چهار سوی عالم؛ به نحوی که همه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، کشورها و جوامع بشری تحت سلطه این حکومت باشند و از آیین، قوانین و دستورات آن فرمان برند. این مسأله عمدتاً از سوی قدرت‌های بزرگ جهان - به خصوص ایالات متحده - مطرح شده و امری خطرناک است. مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «نظم نوینی که آمریکا در پی آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به معنای امپراتوری بزرگی است که در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی قرار دارند...»<sup>۱</sup>

## ۵-۶. مذهب و جهانی شدن

یکی از مباحث مهمی که نباید از آن

۱. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

چشم‌پوشید، ارتباط میان «جهانی شدن» و «مذهب»، گسترش گرایش عمومی به دین در عصر حاضر و فعالیت و تحرک پر دامنه ادیان آسمانی است. برای نخستین بار ایده «جهان شمولی» از سوی «دین» ارائه شده است. تمامی ادیان بزرگ، مردم را برای تشکیل یک ملت واحد، دعوت کرده‌اند.

رابرتسون می‌نویسد: «ایده اینکه جهان به صورت یک جامعه واحد درآید و یا حداقل به صورت بالقوه این چنین شود، تاریخی طولانی داشته که در آن سخن از «بهشت جهان شمول» در روی زمین و یا پادشاهی خداوند بر روی زمین گفته شده است. در برخی از جنبش‌های جدید مذهبی نیز گام‌هایی مشخص برای دستیابی به سازمان‌های جهان شمول مذهبی، برداشته شده است.<sup>۱</sup> در فرایند «جهانی شدن»، مذاهب و ادیان جایگاه خاص خود را دارند و در عین حال که اقتصاد و فرهنگ غربی، یکه تاز عرصه «جهانی کردن» است؛ به هیچ عنوان، نمی‌توان از قدرت و فراگیری «مذهب» غافل شد و آن را نادیده گرفت. بافت جهانی، بافتی است که ابزار جهان بینی‌ها را ترغیب و حتی مورد تأکید قرار می‌دهد و جست و جو برای اصول بنیادین را افزایش می‌بخشد.

۱. فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۸۶.



از نظر ما، دین اسلام - به عنوان کامل‌ترین دین - به نحو احسن می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جهان و از بین برنده کاستی‌ها و مشکلات باشد. هر چند واترز می‌گوید: «طی قرون متمادی، مذاهب بزرگ جهان؛ یعنی، اسلام، مسیحیت، بودائیسیم و هندوئیسم، مجموعه‌ای از ارزش‌های خاص و... به پیروان خود، عرضه داشته‌اند که هم از اقتصاد و هم از حکومت، در مرتبت‌های بالاتر قرار گرفته... این مذاهب، به خصوص مفهومی جهان‌گرایانه از رسالت بودند»؛<sup>۱</sup> اما روشن است که دین اسلام از جایگاه و موقعیت ویژه و پیشتازی در عرصه جهانی برخوردار بوده و در گفتمان‌های رایج جهانی، می‌تواند نقش مهمی ایفا کند. برخی از نویسندگان (رابرتسون)، رستاخیز اسلام‌گرایی را - به عنوان یک نیروی جهانی و در عین حال غرب‌ستیز - شناسایی کرده‌اند.

### ۶. چالش‌ها و کاستی‌ها

«جهانی شدن» - به رغم نظر برخی از نویسندگان - فرایندی یکسویه، غیر قابل اجتناب و بایسته نیست. «جهانی شدن» - چه در حوزه نظری و چه در میدان عمل - با چالش‌ها، کاستی‌ها و ضعف‌های فراوانی رو به رو است؛ به

۱. جهانی شدن و جهان سوم، ص ۲۴۲.

طوری که تعداد افراد بدبین به این فرایند نوین، بیشتر از طرفداران آن است. حرکت «جهانی شدن» در حال حاضر به کندی و آرامی پیش می‌رود و شاهد بن بست‌ها، رکودها و ناکامی‌هایی نیز هست و علت آن را نیز می‌توان در دخالت و دست‌اندازی قدرت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آن و سوء استفاده و بهره‌برداری از آن به نفع خود دانست.

از آنجایی که امروزه ایده «جهانی شدن»، عمدتاً منافع و سود سرمایه داران و دولت‌های غربی را تأمین می‌کند و بر ثروت و قدرت آنان می‌افزاید، به هیچ روی نمی‌تواند تنها راه سعادت فرا روی بشر باشد؛ از این رو اعتراضات گسترده‌ای علیه آن وجود دارد. حتی جهانی سازی و غربی سازی جهان، خود به عنوان مشکل اصلی و ویرانگر فرا روی بشر قرار دارد؛ به طوری که تشنجات، جنگ‌ها، سلطه‌طلبی‌ها و... دامنگیر جهان شده، آن را با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد کرد. دکتر شکر خواه می‌نویسد: «دیدگاهی... معتقد به مبارزه با جهانی سازی است و اکنون از قالب حرف، بحث و ارزیابی خارج شده و به خیابان‌ها آمده است و این حضور خیابانی و رسانه‌ای به هنگام تشکیل اجلاس‌های سازمان تجارت جهانی (WTO) یا صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و اجلاس‌هایی چون دئوس، به اوج خود می‌رسد. این دیدگاه، جهانی‌سازی را «دکتر مرگ» قلمداد

می‌کند. پس اعتراضات و تظاهرات تعداد بی‌شماری از شهروندان اروپایی و آمریکایی علیه جهانی شدن، نشانگر گسست‌های عمیق در چهارچوب فکری و نظری این دیدگاه می‌باشد. این اعتراضات هم علیه پروژه «جهانی کردن» و هم علیه «جهانی سازی» روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

با این وضعیت نامطلوب، هیچ امید رشد، بالندگی، رفاه، سعادت، یکپارچگی و عدالت در جهان به چشم نمی‌خورد و جهانی شدن به پدیده‌ای مبهم و نارسا تبدیل شده است. به علت انحرافات ایجاد شده، رقابتی بی‌قید و شرط در سطح جهان به وجود آمده که برای کشورهای غنی، درآمد بیشتر و برای کشورهای فقیر، فقر بیشتر می‌آورد و آنان را تحت سلطه سرمایه داران، شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای قدرتمند قرار می‌دهد. اصولاً «جهانی شدن» نه یک برنامه منسجم و دارای نظم و انضباط است و نه اهداف دقیق و مشخصی برای آن ارائه شده است و نه متولیان و کارگزاران مشخصی دارد.

مشکل اساسی آنجا است که کشورهای بزرگ، در صدد ایجاد انحراف و کژی، در این فرایند هستند و تا حدودی توانسته‌اند آن را به جهت منافع و سود خود، به کنترل خویش در آورند و مسیر و حرکت آن را به سمت دلخواه تغییر دهند. امریکا نیز می‌خواهد «جهانی سازی» را، با اعمال قدرت و زور شکل دهد و منافع

سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در سراسر جهان تأمین کند. نقاط منفی و ضعف این دیدگاه - به دلیل عملکرد و نیت پردازشگران آن - امکان تحقق همه جانبه و یکپارچه آن را با مشکلات فراوانی روبه رو کرده است.

بعضی از جنبه‌های آثار منفی جهانی شدن عبارت است از:

- نبود رهبری واحد و تأثیر گذار در عرصه بین الملل و فزونی رقابت‌ها و ستیزه‌جویی‌ها؛
- تخریب محیط زیست، فعالیت بی حد و حصر شرکت‌های فراملی در استفاده بی جا و اسراف گرانه از طبیعت، کمبود منابع اولیه و فرسایش تدریجی زمین در بیشتر ابعاد آن؛
- ترویج فساد، بی بند و باری، فحشا و فرهنگ منحط غربی و از بین رفتن آموزه‌های اخلاقی و معنوی در پرتو این فرایند؛
- به وجود آمدن نابرابری‌های اقتصادی در برخی از کشورها و به وجود آمدن شکاف بین کشورهای شمال و جنوب و گسترش و تعمیق فقر و نابرابری و بهره‌کشی از مستضعفان؛
- دوری الزامی کشورهای جنوب از تأمین نیازهای اساسی مردم خود (توزیع عادلانه غذا، آب لوله کشی، برق برای مناطق محروم، بهداشت مناسب و...)
- افزوده شدن بر معضل بیکاری به جهت رشد سریع فن آوری و مکانیکی شدن بسیاری از امور زندگی؛

- رواج فرهنگ تجمل پرستی و مصرف‌گرایی در تمامی گوشه و کناره‌های زمین؛
- شکل دهی ذائقه مصرف‌کنندگان (از غذا گرفته تا لباس) از سوی شرکت‌های فراملی و وسایل ارتباط جمعی بین‌المللی؛
- زوال تنوع و گوناگونی فرهنگی و اشاعه یک فرهنگ سطحی و مبتذل در جهان؛
- فزونی معضلات حقوق بشر و سوء استفاده از آن به منظور تشر زدن و حتی باتوم‌کاری کشورهای غیر غربی و مجبور کردن آنها به تسلیم در برابر خواسته‌های کشورهای پیشرفته؛
- جهانی شدن جرایم و خلاف‌ها (قاچاق مواد مخدر، قاچاق زنان و کودکان و...) و بیماری‌های (مثل ایدز و...)<sup>۱</sup>؛
- به اعتقاد افرادی نظیر چامسکی و بارنت، جهانی شدن اقتصاد، سبب فقر گسترده، بیکاری و به تعبیری جهانی شدن بعضی از مردمان دارا و محلی شدن برخی نادرها شده است.<sup>۲</sup> روزه‌ها نیز از برخی ناظران جهانی نقل می‌کند: مجموعه پیامدهای ناگوار در نتیجه برتری نهایی جهانی شدن به این ترتیب است: «گرایش اقتصادی آن، به سوی انحصارگرایی است؛ بر حاکمیت جبری

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: پگاه حوزره؛ مقاله جهانی شدن از منظر مذهب، شماره ۶۱، ص ۱۱ و ۱۲.

۲. فصلنامه پژوهش و سنجش شماره ۲۵، ص ۲۲۵.

فن‌آوری، شکاکیت سیاسی، مقهور ساختن و از تحرک انداختن [حریف] استوار است؛ مضمون منطق غایی و جهانی آن انعطاف‌ناپذیر است و تنها به انباشت سرمایه و بازار مصرف اصالت می‌دهد و مرام آن به گونه‌ای است که عوامل، علّت‌ها و هدف‌های بیرون از حیطه انباشت سرمایه و بازار مصرف را از ارزش‌های دارای اولویت اجتماعی کنار می‌گذارد.<sup>۱</sup>

مسائلی مانند آزادی، حقوق بشر و... نیز بازیچه دست صاحبان قدرت قرار گرفته است. جهانی سازی، فقط به آزادی تظاهر می‌کند؛ اما در حقیقت در صدد خارج کردن آن از نظم جهانی است. منحصر کردن تمام اصول با قانون بازار، با اصل آزادی مغایر است و تنها توهم آن را موجب می‌شود. از طرفی آنچه اکنون به عنوان حقوق بشر مطرح می‌شود، تنها پوششی برای پوشاندن حقیقت است. در روند جهانی‌شدن حقوق بشر، تنها به یک بهانه تبدیل شده است.

با توجه به این مشکلات، نارسایی‌ها و کاستی‌ها و نیز با دقت و تأمل در نیازها و خواسته‌های بشر در حرکت به سوی یکپارچگی و اتحاد جهانی - که متناسب با فطرت آنان است - به این نتیجه روشن و بدیهی دست می‌یازیم که: «اینک بهترین فرصت و موقعیت برای

۱. مجله سیاست خارجی، سال سیزدهم، شماره ۴، ص ۱۰۲۹.

ترسیم چهره‌ای روشن و گویا از نظام جهانی مهدوی عجل الله فرجه فرا رسیده است و بایسته است که این نظریه پیشینه دار شیعه را با تبیین مبانی، اهداف، پیامدها و ویژگی‌های آن، در اختیار بشر قرار دهیم».

فصل دوم:

حکومت جهانی مهدی

موعود عجل الله فرجه



نظام، دین و حکومتی که داعیه دار «جهانی بودن» و «رهبری» جهانیان است، باید ویژگی‌ها و برنامه‌هایی داشته باشد که با این ادعا هماهنگ بوده و امکان تحقق و وقوع داشته باشد. با چالش‌ها و گسست‌هایی که فرا روی لیبرالیسم، سرمایه‌داری، سوسیالیسم و... قرار دارد، می‌توان گفت که اسلام، آیین تمام مردم جهان و دین جامعه بشری است و می‌تواند جوابگوی خواست‌های اساسی جهانیان باشد. اما در حال حاضر تحقق چنین چیزی، فقط با ظهور منجی موعود و مصلح جهانی امکان دارد؛ یعنی، به علت سستی و رخوت حاکم بر جوامع مسلمین، بی‌کفایتی دولتمردان کشورهای اسلامی، اختلاف و عقب ماندگی این جوامع و دوری آنان از تعالیم ناب اسلامی؛ امکان تشکیل حکومت جهانی اسلام، ضعیف به نظر می‌رسد. در عین حال باید در این راه کوشید و حداقل زمینه‌های تشکیل دولت فراگیر اسلامی را فراهم

نمود. بر این اساس، یکی از برنامه‌های مهم پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام، تأسیس حکومت اسلامی و تشکیل امت واحد جهانی اسلام بوده است. این برنامه، در رأس دعوت اسلام قرار گرفته است و به یقین با انقلاب جهانی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه جامه عمل خواهد پوشید.

با وجود این همه مشکل، کمبود، نارسایی، ظلم و ستم، فساد و تباهی، خود کامگی و استبداد؛ دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فرا ملی و بین‌المللی، نتوانسته‌اند پاسخ گوی نیازها و احتیاجات بشر باشند و با وجود خطر جنگ‌های هسته‌ای، نابودی زیست - محیط، تباهی فرهنگ‌ها و هنجارها، ستیزه جویی و پرخاش‌گری میان سیاستمداران، گسست‌های فکری و اندیشه‌ای بشر، رشد ناهمگون و غول آسای شرکت‌های چند ملیتی و بازارهای بورس و... تنها می‌توان به یک حاکمیت فرا گیر و بدون نقص و حکومت خوب، چشم داشت. این حاکمیت باید فرا ملی، جهانی و عدالت گستر باشد و بتواند پاسخ گوی نیازها و احتیاجات مادی، معنوی، اقتصادی، علمی و... جهان باشد. این حاکمیت تنها در سایه وجود امامی معصوم، آگاه و شجاع (مهدی موعود) امکان دارد و چندین قرن زندگی بشری نشان داده است که امکان تشکیل یک «مدینه فاضله» به دست بشر وجود ندارد و باید منتظر موعود آسمانی باشند. بر

این اساس می‌توان چندین رویکرد و دیدگاه اساسی، درباره «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام» ارائه داد:

## ۱. درآمدی بر حکومت جهانی مهدی علیه السلام

### ۱-۱. درخشان‌ترین فرصت ارائه نظریه «حکومت جهانی مهدوی»

الآن، وضعیت جهان به گونه‌ای است که به روشنی و با جرأت، می‌توان تصویری جامع و شفاف از حکومت جهانی مهدی علیه السلام ارائه داد و ساختار و ساز و کارهای اجرایی و عملی «دولت کریمه» را بیان نمود. پیش‌تر از این، زمینه و موقعیت اندکی برای تبیین چگونگی و نحوه حکومت مهدوی وجود داشت و سطح آگاهی و فهم مردم جهان به حدی نبود که بتوان به طور علمی و قاطع، درباره حکومت فراگیر آن حضرت صحبت نمود. اما با تحقق انقلاب صنعتی، فزونی اختراعات و اکتشافات، پیشرفت علم و دانش، بالا رفتن سطح آگاهی و اندیشه، رشد فن‌آوری و تولیدات صنعتی، گسترش ارتباطات رسانه‌ای و تصویری، فزونی اطلاعات و اخبار، نزدیکی جوامع و مردم به یکدیگر، نفوذ فرهنگ‌ها و ایستارها و بالاخره پدیده رو به رشد «جهانی‌شدن»، نه تنها زمینه برای ارائه نظریه «حکومت جهانی مهدی علیه السلام» فراهم آمده است؛ بلکه زمینه و آمادگی برای «ظهور» آن حضرت

نیز فراهم شده است.

### ۱-۲. حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی علیه السلام

یکی دیگر از بایسته‌های «مهدویت»، بیان حتمی بودن انقلاب جهانی مهدی و ظهور منجی بشریت و مصلح کل است. این وعده قطعی خداوند، به مردم جهان است که حکومت را در برهه حساسی از زمان به دست بندگان صالح و برگزیده خواهد داد و به وسیله او عدالت، رفاه، علم، بهداشت، آسایش، قسط و داد، آبادانی، یکتاپرستی و نیکی را در پهنه گسترده «زمین»، ارزانی خواهد بخشید. در این نوشتار قصد به تصویر کشیدن آن «جامعه جهانی موعود» را نداریم؛ بلکه تنها با استناد به روایات در صدد اثبات این مدعا هستیم که «حکومت مهدی علیه السلام»، به یقین جهانی خواهد بود و تمام ساز و کارهای اداره حکومت جهانی، در آن وجود دارد. این بشارتی است که می‌تواند باعث تسکین خاطر بشر و زنده شدن امید به آینده پرافتخار شود.

### ۱-۳. اثبات نظریه «حکومت جهانی مهدی

موعود علیه السلام»

چالش‌ها، ستیزه‌جویی‌ها و کاستی‌های موجود در دنیا و نیازها و احتیاجات فراروی بشر، روز به روز بر ابطال نظریات و فرضیات «جهانی شدن» - به شکل کنونی - و سایر نظریات و

اندیشه‌های دنیوی گرایانه «سیاست» صحّه می‌گذارد. با ابطال این آرا و نظریات و یا اصلاح و بازسازی آنها، زمینه برای اثبات نظریه جامع و کامل «حکومت جهانی قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)» فراهم می‌شود و قابل پذیرش بودن این نظریه، در اذهان و افکار بشر و محافل علمی و دانشگاهی، آسان می‌گردد. پس تنها نظریه قابل قبول در عرصه جهانی، نظریه «حکومت جهانی مهدی عج» است که اشکالات و ابهامات سایر نظریات را ندارد و خود کامل‌ترین، دقیق‌ترین و جامع‌ترین نظریه برای اداره جهان به شمار می‌آید.

#### ۱-۴. حکمت و فلسفه اصلی ظهور منجی

##### بشریت

روشن و بدیهی است که علت و فلسفه اصلی قیام مصلح کل و جنگ و ستیز با ستمگران و مفسدان؛ تشکیل «حکومت جهانی» و دست یافتن به حاکمیتی مقتدر و الهی است. برنامه‌ها و راه کارهای اجرایی و بنیادین این دولت، تماماً در راستای «جهان شمولی» و «جهان گستری» است و شامل تمام نقاط روی زمین می‌شود؛ به طوری که هیچ نقطه‌ای از جهان، از فیض وجود این حکومت، بی بهره نخواهد بود و مردم با آغوش باز پذیرای آن خواهند بود و مقاومت و ایستادگی قدرت‌های ستمگر و استعماری در هم خواهد شکست. این

حکومت تحت عناوین، دولت عدل و داد، دولت کریمه، حکومت جهانی، حکومت مصلح جهانی و... معرفی شده و ویژگی‌ها و خصایص آن به روشنی در روایات بیان گشته است.

### ۱-۵. تحقق واقعی جامعه واحد جهانی

آرمان‌ها و آرزوهای بشر در طول تاریخ - به خصوص در عصر جهانی شدن - تنها و تنها در حکومت جهانی «مصلح کل» تحقق خواهد یافت. هیچ یک از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ جهانی، توان و شایستگی اداره مطلوب جهان را ندارند. صلح، رفاه، آرامش، امنیت، گسترش علم، خردورزی و عقل‌گرایی، ریشه کنی ظلم و ستم، رفع فساد و تباهی از جهان، گسترش مکارم و فضایل اخلاقی، قبول آیین واحد جهانی، فرهنگ سالم، برابری و مساوات، بی‌نیازی و غنا، اوج تکنولوژی و فن‌آوری، ارتباطات سریع و گسترده جهانی و... تنها در یک «حکومت» امکان وقوع و تحقق دارد و آن حکومت جهانی مهدی علیه السلام است. حکومتی که برای هدایت و نجات مردمان قیام کرده و با آگاهی بخشیدن به آنان، زمینه‌های دین‌داری، رضایت و قناعت را در آنان ایجاد خواهد کرد و «مدینه فاضله موعود» را برای آنها به ارمغان خواهد آورد. همچنین بشارت‌های تمامی ادیان الهی و مذاهب بزرگ، تنها با ظهور آن حضرت، تحقق خواهد یافت.

## ۱-۶. دین راه حل مشکلات و کاستی‌ها

همان طور که پیش‌تر گفته شد، راه حل اصلی مشکلات و نارسایی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی «جهانی شدن»، حضور فعال و گسترده «مذهب» در عرصه بین‌الملل است. حکومت جهانی حضرت مهدی، بهترین گزینه برای رشد، بالندگی و شکوفایی «مذهب» است و مکارم اخلاقی، فضایل انسانی، مساوات و برابری، احترام و حفظ حقوق بشر و... در سایه این حکومت، ترویج و گسترش خواهد یافت.

نویسنده مقاله «جهانی شدن از منظر مذهب» می‌گوید: «ما باید به دین، به عنوان یک روش تام و تمام زندگی - که ریشه در ایمان به خدا دارد و خود را به صورت یک نظام عملی اخلاقی هم در سطح فرد و هم در سطح جامعه نشان می‌دهد - نگاه کنیم. عدالت، محبت، شفقت، ارزش‌هایی که در همه ادیان بسیار مورد احترام‌اند، باید این روش زندگی را هدایت‌کنند. از آن جایی که این ارزش‌ها جهانی هستند، دین باید به عنوان یک کانال انتقالی برای این ارزش‌ها حمل کند و آنها را به سبکی حقیقتاً جهانی و همه شمول تبلیغ کند و در عرصه اجتماعی نیز به همان گونه به اجراگذارد. این کاری است که ما انتظار داریم و اهل تدین در قرن بیست و یکم، باید آن را هم انجام دهند و بدین وسیله با تهدید جهانی

شدن به مقابله برخیزند...»<sup>۱</sup>

### ۱-۷. عصر ظهور

قیام و ظهور امام زمان علیه السلام باید در عصر و دورانی باشد که امکان عملی شدن یک حکومت فراگیر جهانی فراهم و یا حداقل زمینه‌های آن - از لحاظ ارتباطات، اطلاعات، اقتصاد جهانی، فرهنگ گسترش یافته و... - به وجود آمده باشد. به نظر می‌رسد در موقعیت فعلی جهان، این زمینه‌ها و موقعیت تا حدودی فراهم آمده و بستری مناسب برای تحقق آرمان‌های جهانی، ایجاد شده است. روشن است که «عصر ظهور»، دوران علم و اندیشه، پیشرفت و رشد، ارتباطات سریع و همگانی و اطلاعات دقیق و روزآمد است و «عصر حاضر» می‌تواند پیش زمینه و نمایی از آن «زمان موعود» باشد.

امام راحل فرموده است: «من امیدوارم که ان شاء الله برسد آن روزی که وعده مسلم خدا تحقق پیدا کند و مستضعفان مالک ارض بشوند. این مطلب وعده خدا است و تخلف ندارد؛ منتها آیا ما درک کنیم یا نکنیم، آن به دست خدا است. ممکن است در یک برهه‌ای کمی وسایل فراهم شود و چشم ما روشن بشود به جمال ایشان. این

۱. نگاه حوزه، شماره ۶۱، ص ۱۳



چیزی که ما در این وقت، در این عصر وظیفه داریم، این مهم است...»<sup>۱</sup>

### ۱-۸. جهانی شدن اندیشه «مهدویت»

در عصر اخیر، نه تنها، ایده «تجات بخشی» و «انتظار منجی مصلح»، جهانی شده و بیشتر ادیان بزرگ، توجه وافری به آن داشته‌اند؛ بلکه اندیشه «مهدویت» نیز در حال «جهانی شدن» است و مسلمانان جهان، توجه و علاقه زیادی به آن نشان داده و آن را وارد «گفتمان‌های دینی و عقیدتی» خود کرده‌اند. برخی از اندیشمندان و متفکران غیر مسلمان نیز، بحث‌ها و نگارش‌های مختلفی درباره «مهدویت» و آثار و پیامدهای جهانی آن داشته‌اند. به هر حال «اندیشه اصلاح طلبانه مهدویت» در حال حاضر، جهانی شده و اگر تا چند دهه پیش مورد غفلت مسلمانان و اندیشمندان قرار گرفته بود، اینک رویکرد استقبال‌آمیزی به آن شده است. آمار و بررسی‌های انجام شده - به خصوص در موسم حج و یا در انتفاضه فلسطین - نشانگر تغییر و تحوّل عمیق در اندیشه‌های مسلمانان درباره «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام» است و پرسش‌ها و جست و جوی‌های علمی برخی از مسلمانان نیز حاکی از این تحرک و تحوّل عظیم است.

۱. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

## ۱-۹. ساختار نظام سیاسی مهدوی علیه السلام

مهم‌ترین بحث در مورد حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، مربوط به ساختار کارآمد و منحصر به فرد نظام سیاسی مهدوی است؛ یعنی، بر خلاف «جهانی شدن» - که امری کاملاً غیر منسجم، مبهم، پراکنده و ناکارآمد است - حکومت فاضله حضرت مهدی علیه السلام دارای ویژگی‌ها و ساختاری واحد، منسجم، کارآمد، مقتدرانه و تحت مدیریت کامل و با کفایت ایشان است. در این ساختار به همه ابعاد زندگی بشری، توجه شده و در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، برنامه و راه کار ارائه گشته است. هیچ بعدی از زندگی بشری، مورد غفلت واقع نشده و ریزترین و جزئی‌ترین مسائل حیات اجتماعی و فردی روی زمین، در این حکومت دارای اهمیت و ارزش است. پس ساختار نظام سیاسی مهدوی، کاملاً جهانی، فراگیر و عام شمول است و ساز و کارهای اجرایی و اداری آن، بر اساس مدیریت «همه عرصه‌های جهانی» تنظیم شده است.

## ۲. مبانی و اهداف «حکومت جهانی حضرت

مهدی علیه السلام»

«اعتقاد به مهدویت»، اعتقاد به فراگیری نیکی‌ها و مکارم انسانی، عدل و قسط گستری، پایان خوب تاریخ، استقرار حکومت و دین واحد

جهانی و... است. «اندیشه مهدویت»، همان خواسته اصیل مسلمانان و امید و آرزوی یکتاپرستان، در دستیابی به «حکومت جهانی عدل» و از بین رفتن «ظلم، ستم، بی دینی و فساد» است. «اندیشه مهدویت»، اندیشه شورآفرین و تعالی بخش انسان‌های آزاده‌ای است که منتظر «پایان خوش تاریخ» با پیروزی صالحان و نیکان هستند و به «کرامت و عزت انسان‌ها» اعتقاد دارند. نقطه اوج و حساس این اندیشه، پایان یافتن حکومت‌های زر و زور دنیایی و تأسیس «حکومت واحد جهانی مهدوی» است. حکومتی که با امدادهای معنوی، یاری صالحان و خواست قلبی مردم، تأسیس خواهد شد و با ظهور منجی بشریت، قیامی فراگیر علیه ظالمان و ستمگران روی خواهد داد.

این حکومت جهانی، ریشه‌ها و مبانی خاص خود را دارد که تمایز و ویژگی خاصی به آن بخشیده است. در رابطه با مبانی این «حکومت صالحان»، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲. امامت و بایستگی حکومت امام معصوم  
 مبنای اصلی اندیشه «مهدویت» و «تشکیل حکومت جهانی عدل»، ضرورت وجود امام در جامعه و لزوم تشکیل حکومت از سوی او برای هدایت، راهنمایی، برنامه‌ریزی و نظام دهی جامعه دینی است. لذا امام شؤونی دارد که از جمله آنها، پیشوایی و رهبری جامعه است. امامت

- که همان پیشوایی و جلوداری است - طرح سیاسی شیعه برای اداره جامعه است. در نگاه شیعه، آدمی همان گونه که مضطرب به «وحی» است، مضطرب به «امام معصوم» نیز هست. ... اگر اهداف حکومت را هدایت انسان در تمامی ابعاد وهم، حس، فکر، عقل، قلب و روح او بدانیم؛ آن وقت باید به کسی روی بیاوریم که به همه اینها آگاه است و از تمامی کشش‌ها و جاذبه‌ها آزاد است و ترکیب آگاهی و آزادی، همان عصمتی است که در فرهنگ سیاسی شیعه (امامت معصوم) مطرح است....<sup>۱</sup>

## ۲-۲. حاکمیت صالحان، غایت و پایان تاریخ (فلسفه تاریخ)

این وعده حتمی خداوند به انسان‌ها - به خصوص مستضعفان، ستمدیدگان و نیک کرداران - است. این حاکمیت به دست پر توان حضرت ولی عصر علیه السلام تحقق خواهد یافت. گفتنی است که تشکیل حکومت عدل جهانی، از ویژگی‌های امام زمان است و چنین کاری را هیچ پیامبر و یا امام دیگری انجام نداده است. از برخی آیات قرآن و روایات استفاده می‌شود که بالاخره زمانی خواهد رسید که یک حکومت عدل الهی، بر جهان گسترده می‌شود. در روایات صاحب این

۱. مسعود پورسید آقایی، مبانی اعتقادی مهدویت (۱)،

فصلنامه انتظار، شماره ۱، ص ۵۸ و ۵۹.

حکومت، مهدی موعود علیه السلام معرفی شده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «انَّ الارضَ یَرِثُهَا عِبَادِی الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup> و «نرید ان نمِن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»<sup>۲</sup>.

### ۲-۳. ضرورت تشکیل حکومت جهانی

وضعیت و نمای کلی جهان، نشانگر این است که خطر جنگ، فقر، نابرابری، پرخاشگری، سودجویی، ظلم و فساد و انحراف فراگیر، به شدت آن را تهدید می‌کند و واحدهای مستقل سیاسی و بازیگران اصلی عرصه بین الملل، هر یک اقدامات خطر آفرین و بحران زا از خود بروز می‌دهند. این اضطراب و التهاب و نیاز انسان‌ها به صلح و امنیت - به خصوص در جوامع اسلامی - زیربنای تشکیل حکومت جهانی اسلام، به رهبری مهدی موعود علیه السلام است. «حالت کنونی جامعه اسلامی - که با ترس و التهاب به سر می‌برد - کانون اساسی فکری است برای تشکیل حکومت واحد جهانی و مایه از بین رفتن هر نوع اختلاف و... و زایل شدن اسباب جنگ‌های خانمان سوز و در سایه چنین

۱. انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲. قصص (۲۸)، آیه ۵.

حکومتی است که جهان بشریت، به سعادت و عزت می‌رسد و مردم جهان از نعمت‌های الهی و موهبت‌های طبیعی، به طور مساوی استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

#### ۲-۴. سرشت و گوهر واحد انسان‌ها

از آنجایی که انسان‌ها همه، دارای فطرت و سرشت واحد بوده و دارای یک مبدأ و منشأ یگانه هستند؛ بنابراین نمی‌توانند همواره جدا از هم و دشمن یکدیگر باشند و به جنگ و ستیزه جویی علیه هم پردازند. این سرشت واحد، خود می‌تواند مبنا و ریشه اساسی برای تشکیل یک حکومت واحد جهانی باشد. صاحب اصلی این حکومت نیز باید کسی باشد که به درستی و بدون سودجویی شخصی، بتواند انسان‌ها را به هم نزدیک سازد و از اختلاف، تفرقه، تشتت و جدال نجات‌شان دهد. پس جهانی شدن حکومت حضرت مهدی، با سرشت و فطرت مردم متناسب و منطبق است و چیزی بر خلاف خواسته و علاقه آنان نمی‌باشد.

#### ۲-۵. رشد و تعالی انسان‌ها

انسان‌ها، همواره در جهت رشد و تعالی خویش تلاش می‌کنند و در صدد کمال یافتن و بالندگی افکار و اندیشه‌های خود هستند؛ منتها کمال و رشد واقعی تحقق نخواهد یافت جز با

۱. جعفر سبحانی، مبانی حکومت اسلامی، ص ۳۷۰.

تشکیل یک حکومت آسمانی و ظهور «انسان کامل» و «هادی بشر» که بتواند با مدد جستن از غیب و قدرت ملکوتی، به حرکت و تلاش انسان‌ها جهت دهد و زمینه‌های رشد، بالندگی، تکامل و تعالی آنان را فراهم سازد. این مبنا و عامل، می‌تواند یکی از پایه‌های اساسی تشکیل حکومت جهانی مهدی موعود علیه السلام تلقی گردد.

## ۲-۶. ضرورت عدالت و قسط فراگیر

در آرا و افکار همه انسان‌ها - به خصوص دانشمندان و متفکران - عدالت و قسط، جایگاه مهم و اساسی دارد و آنان همواره درصدد یافتن راه کارهایی برای دست یافتن به این نیاز و آرزوی اصیل آدمی بوده‌اند؛ اما تا کنون این امر، به وقوع نپیوسته و انسان‌ها همواره از بی عدالتی و ظلم و ستم در رنج و سختی بوده‌اند و ۸۰٪ امکانات مادی و دنیایی در اختیار ۲۰٪ افراد غنی و ثروتمند بوده است. این مبنا، بایستگی حکومت عدل جهانی را به خوبی اثبات و روشن می‌کند و بر درستی و صحت مدعای شیعیان، صحه می‌گذارد. پس بر این مبنا با تشکیل دولت کریمه مهدوی، تمامی چیزها، برای همه انسان‌ها خواهد بود.

## ۲-۷. دین محوری یا انسان محوری

بر اساس این مبنا، اگر ما دین و آیین درست الهی را اساس و ریشه اعمال و افکار خود بدانیم؛ به این نتیجه خواهیم رسید که تنها راه برتری

یکتا پرستی و دین داری در جهان، تشکیل یک حکومت واحد جهانی دینی است که عمده‌ترین برنامه و راهبرد آن، فراگیر ساختن آیین الهی بر روی زمین و از بین بردن ادیان و مکاتب ساختگی و منحرف شده بشر است. در این صورت انسان، فعالیت‌ها و استراتژی‌های خود را بر اساس دین محوری تنظیم خواهد کرد.

با توجه به این مبانی و ریشه‌ها، به خوبی می‌توان اهداف و آرمان‌های «حکومت جهانی مهدی علیه السلام» را ترسیم نمود و با استفاده از آیات و روایات، به خواسته‌ها و ایده‌های مصلح آسمانی پی برد.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف و خواسته‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام - که عمدتاً با اهداف جهانی شدن و جهانی سازی فرق دارد - عبارت است از:

- رساندن جامعه بشری به کمال مطلوب و رشد و بالندگی؛

- برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر گیتی؛

- اداره و ساماندهی نظام جهان بر اساس ایمان به خدا و احکام دین اسلام؛

- تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن جنگ‌ها، ستیزه جویی‌ها، کینه‌ها، زیاده خواهی‌ها و خود پرستی‌ها؛



- نجات دنیا و مردم، از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان و اهتزاز پرچم یکتاپرستی و دین خواهی در پهنه زمین خاکی؛

- زنده و احیا کردن آیین توحیدی و تعمیق برابری و مساوات اسلامی؛

- تأسیس حکومت جهانی اسلام و تشکیل دولت کریمه؛

- بسط و گسترش دین اسلام و غلبه آن بر کلیه ادیان باطل و منحرف (لیظهره علی الدین کله)؛

- به کمال نهایی رساندن علم و دانش بشری و رشد و شکوفایی اندیشه‌ها و افکار انسان‌ها؛

- تصحیح امور و کارهای زندگی بشری و استفاده صحیح از امکانات و منابع مادی و معنوی جهان؛

- از بین بردن امتیازات و تبعیضات نژادی و طبقه‌ای (جهان برای همه جهانیان).

### ۳. ویژگی‌ها و برنامه‌های حکومت جهانی

#### قائم عج

هر حکومتی که داعیه دار هدایت و رهبری جهان است، باید برنامه‌ها و راه کارهای متناسب با این ادعا را ارائه و میزان پایبندی و التزام خود را به آنها نشان دهد. یکی از مشکلات اساسی «جهانی شدن» این است که هیچ اعتماد و اطمینانی به برنامه‌ها و راه کارهای ارائه شده در آن وجود ندارد و سازمان ملل و کارگزاران نظام جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی نیز، نشان

داده‌اند که لیاقت و توان اجرای این برنامه‌ها را ندارند و دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی نیز تنها درصدد بهره‌برداری و کسب سود و منفعت بیشتر از این پدیده هستند. اما برنامه‌ها و راه کارهای ارائه شده در «حکومت عدل اسلامی» ضمانت اجرایی قوی دارد و رهبر آن، «مدیری صالح، عادل، آگاه، شجاع و دانشمند» است. تمامی برنامه‌های او در جهت تأمین سعادت و بهروزی مردم و جلب رضایت و خشنودی آنان می‌باشد. پاره‌ای از ویژگی‌های این حکومت جهانی، عبارت است از:

### ۳-۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی

حکومت و دولت حضرت مهدی علیه السلام فراگیر و جهانی خواهد بود و قدرت و سلطه او از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت؛ چنان که محدث نوری می‌نویسد: «از صفات و ویژگی‌های مهدی علیه السلام فرا گرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی زمین را از شرق تا غرب، بر و بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماند جایی که حکمش جاری و امرش نافذ شود و اخبار در این معنا متواتر است». آری مهم‌ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی، قرار گرفتن جهان تحت یک مدیریت واحد و کارآمد است؛ به طوری که خود رأیی‌ها، مقام پرستی‌ها و خود محوری‌ها از بین خواهد رفت و همه بر اطاعت از یک حاکم مقتدر جهانی، اتفاق خواهند داشت. با توجه به بعضی از

روایات، به دست می‌آید که جهان در آن زمان به ۳۱۳ بخش تقسیم شده و آن حضرت، ۳۱۳ تن از یاران نزدیک خود را بر آنها حاکم خواهد ساخت.  
 الف. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «و يبلغ سلطانه المشرق و المغرب»؛ «دولت و سلطنت مهدی عجل الله فرجه همه شرق و غرب جهان را در بر می‌گیرد».

ب. «ولایکون ملک الا لاسلام»؛<sup>۲</sup> «در آن

روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود.»

ج. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «حضرت

مهدی عجل الله فرجه شرق و غرب جهان را تحت سیطره خود درآورد... شر از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند».<sup>۳</sup>

د. امام باقر علیه السلام: «حضرت قائم عجل الله فرجه ۳۰۹ سال

حکومت می‌کند؛ چنان که اصحاب کهف مدت ۳۰۹ سال در غار ماندند؛ زمین را پر از عدالت می‌کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب جهان را برای او فتح می‌کند».<sup>۴</sup>

ه. «هنگامی که قائم عجل الله فرجه قیام کند، برای

۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۹۷ (از امام باقر علیه السلام)،

کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

۲. الملاحم و الفتن، ص ۶۶.

۳. منتخب الأثر، ص ۴۷۴.

۴. الغیبه طوسی، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

هر کشوری از کشورهای جهان فرمان‌روایی بر می‌گزینند...»<sup>۱</sup>

و. امام سجاد علیه السلام: «وقتی که قائم قیام می‌کند، خداوند آفت را از شیعیان دور می‌کند و قلب آنان را همچون قطعات آهن، محکم و نیروی هر مرد به اندازه چهل مرد می‌سازد. آنان حکومت و ریاست تمامی مردم جهان را به دست خواهند گرفت»<sup>۲</sup>.

ز. «حضرت مهدی علیه السلام یارانش را در همه سرزمین‌ها پراکنده می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمانروایان کشورهای جهان می‌گرداند و به ایشان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند»<sup>۳</sup>.

### ۳-۲. دین و آیین واحد جهانی

در حکومت جهانی واحد، دین برتر و آیین پذیرفته شده مردم، اسلام خواهد بود و این نشان می‌دهد که برنامه حضرت مهدی علیه السلام جهان شمول و فراگیر بوده و مردم با رغبت و علاقه دین اسلام را اختیار خواهند کرد و نجات و سعادت خود را در پیروی از آن خواهند دانست. در نتیجه فضایل اخلاقی و مکارم انسانی، در جوامع حاکم شده و فساد، الحاد و بی‌دینی از بین خواهد رفت.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۵؛ الغیبة نعمانی، ص ۷۲.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

۳. الامام‌المهدی، ص ۲۷۱.

الف. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدس نفوذ خواهد کرد»<sup>۱</sup>.

ب. امام حسن مجتبی علیه السلام، درباره از بین رفتن کفر و بی دینی از جهان و پذیرش آیین واحد از سوی مردمان می فرماید: «خداوند در آخر الزمان و دوران شدت روزگار و عصر جهل مردم، مردی را برانگیزد و او را با فرشتگان خود، یاری دهد... و او را بر تمام زمین چیره فرماید تا اینکه [مردم] از روی میل و یا از روی اکراه، دین را بپذیرند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر کند. شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند. تا آن که کافری نماند، مگر اینکه ایمان آورد و گناه کار و فاسدی نماند، مگر اینکه نیکو کار شود. در حکومت او، درندگان با هم صلح می کنند...»<sup>۲</sup>.

پس از ویژگی های برجسته این جامعه جهانی، این است که همگان در آن یکتاپرست اند و خدا را به یگانگی می پرستند و شریکی برای او قرار نمی دهند و از گناهان و مفاسد دوری می جویند.

ج. امیر مؤمنان علیه السلام: «هیچ آبادی ای نخواهد ماند، مگر آنکه در آنجا هر صبح و شام، به

۱. منتخب الأثر، ص ۱۶۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

یکتایی خدا، شهادت داده خواهد شد».<sup>۱</sup>  
 د. امام باقر علیه السلام: «هیچ یهودی و مسیحی و  
 هیچ پرستش کننده غیر خدایی باقی نمی ماند،  
 مگر اینکه به او ایمان می آورد و او را تصدیق  
 می کند».<sup>۲</sup> این روایات، به خوبی نشان می دهد  
 که ایده مذهب واحد جهانی، در زمان ظهور، به  
 واقعیت خواهد پیوست و این بشارت و مژده الهی  
 محقق خواهد شد.

### ۳-۳. عدالت فرا گیر جهانی

«عدالت» - عدالت اقتصادی، قضایی،  
 اخلاقی و سیاسی - یکی از آرمان ها، خواست ها  
 و آرزوهایی است که بنی آدم در طول تاریخ، به  
 آن توجه داشته و در تمامی عرصه های زندگی  
 اجتماعی خود، به آن نیازمند بوده است. این نیاز  
 دائمی انسان تنها در «حکومت جهانی  
 مهدوی علیه السلام» برآورده خواهد شد و «عدالت» تنها  
 با آمدن «منجی موعود»، تحقق خواهد یافت و  
 عدل و قسط و مساوات، نماد اصلی حکومت او  
 خواهد بود.

الف. پیامبر صلی الله علیه و آله در باره اوضاع زمین پس از  
 ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام در روایت مشهوری

۱. مجمع البیان، ذیل آیه ۹ سوره صف؛ بحار الأنوار، ج ۵۱،  
 ص ۶۰.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۳۶.

می فرماید: «فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا  
مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛ «پس زمین را از عدل و  
داد لبریز می کند، پس از آن که از ستم و بیداد  
لبریز شده است»<sup>۱</sup>.

ب. پیامبر: «يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ»؛ «عدالتش فراگیر  
شود»<sup>۲</sup>.

ج. امام صادق عليه السلام: «به خدا سوگند! عدالت او  
(مهدی)، در خانه هایشان وارد می شود؛ همچنان  
که گرما و سرما وارد می گردد»<sup>۳</sup>.

د. «چون مهدی عليه السلام قیام کند، مال را به طور  
مساوی تقسیم می کند و عدالت را در میان رعیت  
اجرا می کند. هر کس از او اطاعت کند، از خدا  
اطاعت کرده است»<sup>۴</sup>.

ه. امام رضا عليه السلام: «هرگاه [قائم اهل بیت]  
خروج کند، زمین به نور پروردگارش روشن  
می شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار  
می گردد. پس کسی به کسی ستم نخواهد  
کرد»<sup>۵</sup>.

۱. همان، ج ۳۶، ص ۳۱۶؛ کمال الدین، ج ۱، ص ۲۵۷.  
۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۵.  
۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.  
۴. الغيبة نعمانی، ص ۱۲۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹؛  
منتخب الأثر، ص ۳۱۰.  
۵. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱؛ کمال الدین، ج ۳، ص ۳۷۲.

## ۳-۴. امنیت و صلح جهانی

امنیت و صلح واقعی و آرامش - که گوهر نایاب زندگی انسان‌ها است - از ویژگی‌های جهانی و فراگیر امام زمان علیه السلام است. در آن عصر، خوف‌ها زایل می‌شود و جان و مال و آبروی اشخاص در امان قرار می‌گیرد و در سراسر جهان امنیت عمومی حاکم می‌شود و اختناق، استبداد، استکبار و استضعاف - که همه از آثار حکومت‌های غیر الهی است - از جهان ریشه کن می‌گردد و حکومت‌های طاغوتیان - به هر شکل و هر عنوان - برچیده می‌شود. از اخبار روایات استفاده می‌شود که:

- الف. «به واسطه حضرت ولی عصر علیه السلام راه‌ها آن قدر امن می‌شود که شخصی - حتی ضعیف‌ترین مردم - از مشرق به مغرب سفر می‌کند، از احدی به او آزار و اذیت نمی‌رسد»<sup>۱</sup>.
- ب. امیر مؤمنان درباره رفع کینه‌ها و دشمنی‌ها از جهان می‌فرماید: «اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می‌ریزد و زمین نباتات خود را بیرون می‌افکند و کینه‌ها و ناراحتی‌ها، از دل بندگان خدا، زایل می‌گردد»<sup>۲</sup>.
- ج. و نیز فرمود: «هرگاه قائم ما قیام کند، کینه

۱. منتخب‌الأثر، ۳۰۸؛ امامت و مهدویت، (بخش آخر)،

ص ۴۳.

۲. بحار‌الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.



توزی از دل‌های همه مردم، رخت برمی بندد و چهار پایان رام می‌گردند تا آن جا که زنی از عراق تا شام، مسیر را می‌پیماید، در حالی که هیچ درنده‌ای او را نمی‌آزارد...»<sup>۱</sup>

د. امام باقر علیه السلام: «مهدی آن چنان رفع ستم از ستمدیدگان می‌کند که اگر حق شخصی، زیر دندان کسی باشد، آن را باز می‌ستاند و به صاحب حق بر می‌گرداند»<sup>۲</sup>.

### ۳-۵. ملت واحد جهانی

ایجاد همبستگی و یکپارچگی در میان انسان‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌ها، افکار و اعمال آنها به یکدیگر، خواسته و آرزوی دست نیافتنی در وضعیت کنونی جهان است. اما با ظهور مصلح کل و بالا رفتن بینش و آگاهی مردم و از بین رفتن منیت‌ها و خودخواهی‌ها، همبستگی و اتحاد شگرفی در میان انسان‌ها به وجود خواهد آمد. وقتی که امت واحد جهانی، شکل بگیرد، تمامی اختلاف‌ها، کینه‌ها، ستیزه جویی‌ها، تجاوزها و... از بین خواهد رفت و همگان یکدل و یکرنگ، اطاعت از آن حضرت را پیشه خود خواهند ساخت.

الف. امام باقر علیه السلام: «تمام جهان، ملت واحد می‌شوند و آن ملت اسلام است و هرچه معبود

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲. منتخب‌الأثر، ص ۳۰۸.

غیرخدا در زمین باشد، به آتش فرود آینده از آسمان، خواهد سوخت»<sup>۱</sup>.

ب. «به هنگام خروج حضرت مهدی علیه السلام خطاب و ندای عامی به همه مردم جهان می شود و آنها به اطاعت از او فرا خوانده می شوند.»

### ۳-۶. پیشرفت و رفاه جهانی

در دولت کریمه مهدی موعود علیه السلام وضع اقتصاد و معیشت عمومی، خیلی خوب خواهد شد و اوضاع اقتصادی و مالی مردم، سامان خواهد یافت. در آن عصر، نعمت‌های الهی افزون، آب‌ها مهار، زمین‌ها حاصل خیز و معادن ظاهر خواهد شد. هیچ فقیری باقی نخواهد ماند تا از بیت‌المال، کمک مالی دریافت کند. رونق و شکوفایی اقتصادی، باعث خواهد شد که همگان از برکات و آثار دولت او، برخوردار شوند و چهره کریه فقر، نابرابری، فساد مالی و... از جهان رخت برخواهد بست.

الف. پیامبر صلی الله علیه و آله: «خداوند به وسیله مهدی، از امت رفع گرفتاری می کند»<sup>۲</sup>.

ب. «امت من در دوران مهدی، چنان متنعم شود که بسان آن، بهره‌وری را ندیده باشد. آسمان پیوسته باران (رحمت) خود را بر ایشان

۱. همان، ص ۴۳۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۵؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۱۴.

فرو می فرستد و زمین رویدنی های خود را بیرون می ریزد. ثروت در آن روز بر روی هم انباشته می شود. [وقتی] مردی برپاخیزد و بگوید: ای مهدی! بر من عطا نما؛ گوید: بگیر»<sup>۱</sup>.

ج. امام باقر علیه السلام: «مهدی عجل الله تعالی فرجه اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم می کند که دیگر محتاجی دیده نمی شود تا به او زکات دهند»<sup>۲</sup>.

د. و نیز: «آن چنان میان مردم، مساوات برقرار می سازد که حتی نیازمند به زکات را هرگز نخواهی دید»<sup>۳</sup>.

ه. «امت اسلامی در عهد او آن چنان از فراخی معیشت برخوردار می شود که هرگز نظیر چنین نعمت و آسایشی دیده نشده است»<sup>۴</sup>.

### ۳-۷. کمال علم و عقل

یکی دیگر از آرمان های بشری، رسیدن به قله های کمال علم و عقل است که این مهم - جز در حکومت مهدوی - تحقق نخواهد یافت. دانش و علم بشری، به حد نهایی و کامل خود رسیده و دریچه های حکمت و دانش ها به روی بشر گشوده خواهد شد. عالم اندیشمند سید جعفر کشفی می نویسد: «بدان که زمان ظهور دولت آن

۱. عقد الدرر، ص ۱۷۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۳. اعلام الوری طبرسی، ص ۴۳۲.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

جناب - که زمان ظاهر شدن دولت ثانیه حق است - زمان ظهور و غلبه عقل است از روی باطنی آن که مقام ولایت است و به منزله روح است از برای روح ظاهری که آن مقام نبوت است»<sup>۱</sup>.

در آن عصر هیچ نکته مجهول و غیر قابل حلّی باقی نخواهد ماند و سطح آگاهی و علم و اندیشه مردم بالا رفته، قدرت عقل و خرد ورزی آنان فزونی خواهد یافت. اختراعات، اکتشافات، ارتباطات و فن آوری به نهایت کمال خود خواهد رسید و مردم آن عصر، در بهترین و دلپسندترین برهه از زمان، زندگی خواهند کرد.

الف. امام باقر علیه السلام: «هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله، عقل های آنان را جمع و افکار آنها را کامل می کند»<sup>۲</sup>.

ب. حضرت علی علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خدای عزّ و جلّ به وسیله او (قائم) زمین را از نور آکنده می کند، پس از تاریکی آن و از داد پر می کند پس از ستم آن و از دانش مالا مال می کند، پس از جهل آن»<sup>۳</sup>.

۱. تحفة الملوك، ج ۱، ص ۷۸.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۸۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳.

ج. امام باقر علیه السلام: «در زمان آن حضرت، حکمت و دانش، بدیشان ارزانی می‌شود تا جایی که زنان در خانه خود، به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم کنند».<sup>۱</sup>

د. امام صادق علیه السلام: «علم و دانش ۲۷ حرف است. تمام آنچه پیامبران الهی آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز دو حرف را شناخته‌اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌سازد و در میان مردم منتشر می‌کند و دو حرف دیگر را به آن ضمیمه می‌کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود».<sup>۲</sup>

### ۳-۸. نوسازی و احیاگری

یکی از نظریات قابل توجه در «علوم سیاسی»، توسعه و نوسازی است. این دیدگاه در صدد ارائه راه‌کارهای توسعه و پیشرفت در کشورهای عقب مانده و جهان سوم است که تا به حال نتایج و آثار قابل توجهی نداشته است. یکی از برنامه‌ها و راه‌کارهای مهم حکومت جهانی مهدی علیه السلام، احیاگری، نوسازی و دگرگونی در بسیاری از امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان است.

الف. امام صادق علیه السلام: «إِذَا خَرَجَ (القائم) يَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قِضَاءٍ جَدِيدٍ...»؛  
«هنگامی که قائم خروج کند، امر تازه، کتاب تازه،

۱. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۳۹.

۲. موسوعة احادیث المهدی، ج ۴، ص ۵۳.

روشی تازه و داوری تازه با خود می‌آورد...»<sup>۱</sup>  
 کتاب تازه به معنای آوردن قرآنی دیگر نیست؛ بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن را پیاده خواهد کرد و تفسیر واقعی آیات آن را بیان خواهد نمود.

ب. امام صادق علیه السلام در پاسخ یکی از یارانش در باره سیره مهدی علیه السلام می‌فرماید: «همان کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد، انجام می‌دهد. برنامه‌های [نادرست] پیشین را از بین می‌برد؛ همان‌گونه که رسول خدا، امر جاهلیت را از بین برد و اسلام را نوسازی می‌کند».

ج. «به خدا سوگند! گویی او را در میان رکن و مقام با چشم خود می‌بینم که از مردم برای امری تازه، کتابی تازه و حکومت آسمانی تازه، بیعت می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

### ۳-۹. رضایت و خشنودی جهانی

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت مهدوی، تأمین خشنودی و رضایت همه ساکنان زمین و آسمان است. از آنجایی که دولت او، دولت عدالت گستر، فقر ستیز، دانش گستر، رفاه آور، ظلم ستیز و مردم دوست است، همگان از آن راضی خواهند بود و در آرامش و شادی زندگی

۱. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۸۳؛ الغیبة نعمانی، ص ۲۵۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۵.

خواهند کرد. در روایات آمده است:

الف. «زمین را پر از عدالت می‌کند، آن چنان که پر از ستم شده است. در خلافت او اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان آسمان خشنود می‌شوند».<sup>۱</sup>

ب. «اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می‌شوند؛ او زمین را پر از عدالت می‌کند، آن سان که پر از جور و ستم شده باشد».<sup>۲</sup>

ج. رسول خدا صلی الله علیه و آله: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین را از خلافت و فرمانروایی او خشنودند».<sup>۳</sup>

د. «ساکنان زمین و آسمان به او عشق می‌ورزند».<sup>۴</sup>

۱. لوائح الأنوار، ج ۲، ص ۷۰.

۲. الغيبة طوسی، ص ۱۱۶.

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۰۴.

فصل سوم:

مقایسه و نتیجه گیری



امروزه پدیده «جهانی شدن»، امری فراگیر، گسترش یابنده، پیچیده و دارای آثار و پیامدهای گوناگون در زندگی بشری است؛ به طوری که شرایط زندگی انسان‌ها را در بیشتر جنبه‌های آن، دستخوش دگرگونی‌های ژرف کرده است. از این رو نمی‌توان گسترش نوآوری‌های اقتصادی در سرتاسر جهان، انطباق‌های فرهنگی و سیاسی ملازم این گسترش، تغییر و تحولات ارتباطاتی و تکنولوژیکی، در هم تنیدگی روابط، افکار و اندیشه‌های بشری، پیچیدگی انگاره‌های اقتصادی، مالی و اعتباری و... را نادیده گرفت و نسبت به آن بی‌تفاوت بود.

از طرفی به علت تنوع، پیچیدگی و نو بودن مباحث و موضوعات آن، نمی‌توان موضع‌گیری مثبت یا منفی قاطعی در مورد آن داشت؛ هر چند جنبه‌ها و پیامدهای منفی و آثار نگران‌کننده آن، رو به فزونی است. همچنین به علت اینکه در پس پرده این روند، عوامل و کارگزاران متعدد

سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی قرار دارند؛ باید به دقت و هوشمندانه آن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

به هر حال روشن است که: مبانی، اهداف، ویژگی‌ها، آثار و پیامدهای «جهانی کردن» و «جهانی سازی» و حتی «جهانی شدن»، تفاوت و تباین اساسی با مبانی، اهداف، ویژگی‌ها و خصوصیات «حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام» دارد. هدف و مبنای اصلی این «جهان‌گستری» سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت‌های بزرگ، شرکت‌ها و نهادهای فراملی و... و نیز برتری‌طلبی و سلطه‌جویی قدرت‌هایی چون ایالات متحده است.

حتی می‌توان قائل شد که «جهانی شدن» - به رغم مبانی قابل توجه آن - به نوعی با سرمایه‌داری جهانی پیوند خورده است. به هر حال در این دو پروژه، شاهد گسترش و هژمونی سیاسی و فرهنگی غرب و ایالات متحده هستیم که نکته تلاقی و نزدیکی آنها نیز به شمار می‌رود. گفتنی است که آنچه در این دو وجود ندارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی جهانیان، چون برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه جانبه و... است؛ برعکس در سایه آنها جهان اینک با اباحتی‌گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق رو به رو است؛ بلکه بحران

نامنی، فقر، بهره‌کشی و نابرابری نیز به طور فزاینده‌ای گسترش می‌یابد.

«جهانی شدن» با داشتن ابعاد و اشکال مختلف و مبهم و پیامدهای سوء، نمی‌تواند وجه مشترکی با «حکومت جهانی حضرت مهدی عج» داشته باشد؛ هر چند پاره‌ای از ویژگی‌ها و نشانه‌های آن، با بعضی از ویژگی‌های حکومت آن حضرت مشابهت دارد و به خوبی می‌تواند نشانگر این باشد که زمینه تشکیل حکومت جهانی فراهم شده و سطح آگاهی، علم، پیشرفت و بالندگی جوامع به حدی رسیده است که بتوان به طور علمی و استدلالی، صحبت از آن حکومت جهانی و قریب الوقوع بودن آن نمود و ویژگی‌های والا و برتری‌های بی‌بدیل آن را مطرح کرد. «جهانی شدن»، به روشنی نیاز انسان‌ها را به نزدیکی و اتحاد با هم و تشکیل «جامعه جهانی واحد» آشکار می‌سازد و راه‌کارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن را به گونه‌ای مدرن نمایان می‌کند. گسترش سریع ارتباطات و نزدیکی جوامع به یکدیگر، امکان گفت‌وگو و تبادل آرا و افکار، استفاده مردم جهان از آخرین اخبار و یافته‌های علمی و پزشکی، تعامل و همفکری در مورد مسائل سیاسی (جنگ، صلح و...) جهان، بالا رفتن سطح سواد و معلومات، جهانی شدن فن‌آوری و صنعت و... برخی از وجوه مثبت و قابل قبول جهانی شدن

است که مدل کامل و مطلوب آنها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود خواهد داشت. وقتی جامع بشری به مرحله‌ای از رشد و شکوفایی علمی، صنعتی و فکری می‌رسد که در آن نیاز شدیدی به اتحاد و نزدیکی احساس شده و بشر در بیشتر جنبه‌های زندگی، رفتارها و گفتارهای فرا ملی و جهانی از خود بروز می‌دهد؛ در این صورت می‌توان تئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان نمود. از آنجایی که انسان‌ها نمی‌توانند موانع، کاستی‌ها و کمبودهای حرکت رو به رشد خود را، به طور کامل از بین ببرند؛ در این صورت نیاز به قدرتی برتر و فوق بشری بیشتر احساس می‌شود و قلب‌ها و افکار بدان سو متمایل می‌گردد. البته حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام نه تنها حکومتی آرمانی و الهی است؛ بلکه حکومتی کاملاً عقلانی و علم‌گرا است و با وضعیت پیشرفته جهان، سازگار و متناسب است.

به هر حال شیعه با دیدگاهی روشن نسبت به آینده تاریخ بشری، همواره منادی و بشارت دهنده «زندگی مطلوب جمعی» و تشکیل «حکومت صلح و عدل جهانی» بوده است و با اتکا به همین اعتقاد، خود را در تمامی سختی‌ها و بحران‌ها حفظ کرده و منتظر پایان خوش تاریخ بوده است.

مدعای اصلی ما در این نوشتار این است که «جهانی کردن» و «جهانی سازی» دنیا را در ورطه انحراف، جنگ، ناکامی و اباحی گری قرار داده است و پیامدها و آثار نامطلوب و ناگواری با خود به همراه دارد که هیچ یک در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود نخواهد داشت. با توجه به انحرافات به وجود آمده، می توان گفت که «جهانی شدن» نیز لزوماً پیشرفت طبیعی زندگی بشری نیست و اکنون یک سیر طبیعی را طی نمی کند. به گفته پروفیسور مولانا: «این چه جهانی سازی است که ۱۴ مردم دنیا گرسنه به خواب می روند؟! ۲۵٪ مردم افریقا زیر محور فقر زندگی می کنند؟! ۱٪ مردم دنیا، ۹۵٪ تسلیحات جهان را در دست دارد؟! عدالت اجتماعی هنوز در تئورهای روابط بین الملل مطرح نشده است؟! جهانی سازی، جهان را به نفع عده ای تغییر می دهد و...؟!»

بر این اساس الان جهان - به خصوص دنیای غرب و مدرن - از چند بحران بزرگ، رنج می برد: ۱. بحران مشروعیت ۲. بحران فساد ۳. بحران اخلاق ۴. بحران هویت ۵. بحران مشارکت ۶. بحران اشتغال و صادرات و... غرب تلاش می کند با انتقال این بحران به خارج از مرزهای خود، کمی از آثار و نتایج سهمگین آن بکاهد و به عبارت روشن تر، درصدد جهانی کردن این مشکلات و بحران ها آمده است. بر این

اساس جهانی کردن، جهانی سازی و حتی جهانی شدن - در بعضی از وجوه آن - دارای اختلافات و تفاوت‌های اساسی با حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

در این قسمت به طور مختصر، بعضی از ویژگی‌ها، چالش‌ها و کاستی‌های فراروی جهانی شدن - در هر سه چشم‌انداز پیشین - ذکر و تفاوت آن با حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام روشن و آشکار می‌گردد.

۱. این پدیده جهانی، هر چند به سرعت در حال گسترش و پیشروی در عرصه‌های مختلف جهانی است و نظرات و دیدگاه‌های بسیار زیادی درباره آن ارائه می‌شود؛ اما در عین حال امری مبهم، نارسا و پیچیده است. ژان ماری گینو در این باره می‌نویسد: «وضعیت اجتماعات انسانی در تجربه جهانی شدن، با وضعیت شخص نابینایی قابل مقایسه است که ناگهان بینایی‌اش را به دست می‌آورد و فقط یک اسطوره از عهده شرح هیجان‌انگیزی برمی‌آید که این دگر دیسی برخواهد انگیخت... رویارویی بی‌واسطه فرد با جهانی شدن دنیا «سکر آور» است؛ منتها شرایط دموکراسی را از ریشه دگرگون می‌کند...»<sup>۱</sup>

در حالی که تصویر حکومت جهانی حضرت

---

۱. ژان ماری گینو، آینده آزادی، چالش‌های جهانی شدن دموکراسی، ص ۱۷ مقدمه.

مهدی علیه السلام به روشنی در روایات و احادیث بیان شده و ویژگی‌ها و ساختار کارآمد و جامع‌نگر این حکومت، با دقت هر چه تمام‌تر، ترسیم و تبیین گشته است و هیچ‌گونه ابهام و کاستی در آن وجود ندارد. در عین حال، وی به دنبال «حکومت خوب» می‌گردد و آرمان درونی خود را در نوشته‌اش به این شکل ابراز می‌دارد: «راهی که این کتاب نشان می‌دهد باریک است. سیال بودن جهانی شدن را می‌پذیرد. حتی از نوع دموکراتیک آن قداست زدایی می‌کند و با این وصف از تقلیل دادن نهادهای سیاسی به جریان‌های ساده کارکردی امتناع می‌ورزد. راهی که ترسیم می‌کند، متواضعانه است: جلوس «حکومت خوب» - خوب به این سبب که بیان عقلایی اجتماع انسانی، خواهد بود که آرزوی تشکیل دادن آن را داریم. اجتماعی از انسان‌های آگاه و خردورز - بلکه خیلی ساده‌تر، توزیع محتاطانه قدرت که با تقسیم آن، امکان سوء استفاده از آن را محدود می‌کند... اجتماعات دموکراتیک آینده، اجتماعاتی در عین حال خردورز و تاریخی خواهند بود، دستاوردهای بلند پرواز آزادی ما و میراث پیوسته ناپایدار تاریخ ما<sup>۱</sup>. ما نیز معتقدیم که «حکومت خوب» در تمامی عرصه‌ها و جنبه‌ها فقط حکومت کامل و بی‌بدیل حضرت ولی عصر علیه السلام است که همه

بشر، باید منتظر چنین روزی باشند. این حکومت، هم آسمانی و الهی است و هم علم دوست و افرادی خردورز و آگاه، عالم، متعهد و موحد زمام آن را در دست دارند.

۲. جهانی شدن در عرصه اقتصادی، در صدد رفع موانع و کاستی‌های پیشرفت و توسعه اقتصادی، اتکا به بازار و تجارت آزاد و رفع بی‌کاری و بحران‌های اقتصادی است؛ اما با این حال مشکلات جهان (فقر، نابرابری، بهره‌کشی، استثمار، بی‌کاری و...) همچنان پا برجا است. جهان شمولی اقتصاد، به معنای جهانی شدن مشکلات و نارسایی‌های برخاسته از لیبرال - دموکراسی و اقتصاد گرایی غربی است. چون سرمایه‌داری غربی با طرح مسأله «جهانی شدن»، سعی در انتقال مشکلات و بحران‌های اقتصادی و مالی به خارج دارد که این امر تبعات سختی برای کشورهای جهان سوم در پی دارد. در حالی که برنامه و استراتژی اصلی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، رفع فقر، نابرابری، کاستی‌ها و مشکلات از سراسر جهان و از بین بردن ظلم، احجاف، تبعیض و حق‌کشی است. از آن جایی که مواهب و منابع طبیعی جهان، به طور عادلانه مورد استفاده همگان قرار خواهد گرفت و علم و تکنولوژی بشر نیز رشد فراوانی خواهد یافت، مشکلات و نگرانی‌های بشر برطرف گشته و مدینه فاضله موعود تحقق



خواهد یافت.

۳. جهانی سازی، باعث تسلط و یگه تازی آمریکا در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی می‌گردد و به دنبال خود ناامنی و رفتارهای خصمانه به همراه دارد. چیزی که هیچ دولت و کشوری حاضر به پذیرش آن نیست. آلن دوبنوا می‌نویسد: «سده بیست و یکم، سده افول آمریکا و قدرت یابی کشورهای نو خواهد بود: چین، روسیه، هند، ایران و مصر. اروپا که در شرایط دشواری به سر می‌برد، بار دیگر ناگزیر است با سرنوشت خود روبه رو شود و جنگ‌هایی روی خواهد داد که تاکنون مانندشان دیده نشده است. هیچ کس را از رویارویی جهانی - که فروکاستگی ادعای «جهان شمولی» ارزش‌های غربی خواهد انجامید - گریزی نیست.»<sup>۱</sup> در حالی که اساس و برنامه اصلی حضرت مهدی عجل الله فرجه گسترش و برقراری صلح و امنیت و آسایش و ریشه‌کنی ظلم و ستم، جنگ و خونریزی از جهان است. در حکومت آن حضرت جایی برای گردن‌کشان و ستمگران باقی نمانده، ریشه تمامی جنگ‌ها و ستیزه‌جویی‌ها - که همان خواستارهای فزون‌تر مادی و اقتصادی است - از بین خواهد رفت و همان طور که قرآن می‌فرماید، ترس مردم، به امنیت و آسایش مبدل

۱. فرهنگ گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر، ص ۱۲۵.

خواهد شد (ولیبذلنهم من بعد خوفهم أماناً).  
 ۴. جهانی شدن از نظر فرهنگی و اجتماعی، ادعای نزدیکی، پیوند و جسمانی فرهنگ‌ها و جوامع را دارد؛ اما روشن است که - بر خلاف نظر مدعیان غربی - در جهان آینده، یکپارچگی به وجود نخواهد آمد و پس از تقابلی بنیادین، تمدن‌ها و فرهنگ‌هایی نوین سر بر کشیده و چهره جهان را متحول خواهند ساخت. اروپا در این شرایط می‌تواند هویت جدیدی یابد و سرنوشت خود را از لیبرال - دموکراسی جهان‌گرای آمریکایی جدا کند. آلن دوبنوا می‌نویسد: «ملت‌ها و فرهنگ‌ها عوامل راستین تاریخ هستند. سرمایه‌داری دموکراتیک، اینک صاحب بلامنازع میدان است. اما اشتباهی بزرگ است که فکر کنیم، برای همیشه می‌تواند صحنه را کنترل کند و با پیروزیش تاریخ متوقف خواهد شد».<sup>۱</sup>  
 این برخورد و تضاد تمدن‌ها، جهان را آستان التهاب، تنش و ناامنی می‌کند؛ در حالی که در «عصر ظهور»، نشانی از اختلاف و کشمکش فرهنگی و سیاسی و حتی سلطه‌جویی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نخواهد بود و مردم با گزینش و انتخاب خود، آیین و فرهنگ واحدی را پذیرا خواهند شد و در سایه آن با آرامش و آسودگی خیال، زندگی خواهند کرد.

---

۱. همان، ص ۱۲۶.

۵. از دیگر معایب و نقص‌های بزرگ جهانی شدن، عدم مدیریت واحد در جهان، ظهور بلوک‌های قدرت و گسترش واحدهای سیاسی قدرتمند و متنازع با هم است. این مشکل اساسی، در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام به خوبی حل شده و جهان در تحت فرمان و ید با کفایت آن حضرت قرار خواهد گرفت. کشورهای جهان تحت رهبری واحد، اداره و مدیریت خواهند شد و کارگزاران و یاران نزدیک ایشان، حکومت بر واحدهای سیاسی را برعهده خواهند گرفت. چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مهدی، اصحاب خویش را به تمامی شهرها و بلاد اعزام می‌کند و آنان را به عدالت و احسان فرمان می‌دهد»<sup>۱</sup>.

۶. یکی از مباحث جهانی شدن، کم‌اهمیت شمردن مرزها و ترغیب کردن مردم به ابراز هرگونه موضعی و تولید هرگونه محصولی است که بازار بتواند آن را جذب کند و به عبارتی ترویج اباحی‌گری و بی‌مبالاتی است. انفجار بازی‌های ویدیویی و بازی‌های مهمل در اینترنت و... ترویج‌گر فروترین کارهای رایج و بدترین نوع میانه‌مایگی است.<sup>۲</sup> اینترنت، با هجوم وسیعی از اطلاعات و دنیایی از اطلاعات که بر سر ما

۱. یوم الخلاص، ص ۳۹۵.

۲. ر.ک: پدیده جهانی شدن، ص ۱۵۳.

می‌ریزد، امکان این را می‌گیرد که به عمق پناه ببریم و با حقایق و واقعیات به طور جدی آشنا شویم و... رسانه‌های صوتی و تصویری، فیلم‌ها، عکس‌ها و... نیز عامل مخربی بر زندگی معنوی بشر بوده و اخلاق و رفتار او را به شدت در جهت ترویج مفاسد و ناهنجاری‌ها سوق داده است. اما عصر ظهور، عصر حاکمیت فضیلت، اخلاق، علم، دانش و انسانیت خواهد بود. مردم به کرامت ذاتی خود پی برده، از رفتارها و گفتارهای پوچ و پلید، دوری خواهندگزید. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقول آنان را با آن جمع می‌کند و افکار آنها با آن تکمیل می‌شود»<sup>۱</sup>.

۷. از نظر برخی، جهانی شدن باعث ایجاد تعامل و برابری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع می‌شود و همگان از محصولات فرهنگی و ارتباطات استفاده کرده و در نتیجه تفاوت‌ها و نابرابری‌ها از بین می‌رود. اما از نظر دیوید هلد، رشد ارتباطات جهانی یا افزایش جریان‌های فرهنگی، ارتباط چندانی با هموارسازی زمینه فعالیت‌ها و کاهش نابرابری‌های جهانی ندارد؛ بلکه این امر - برخلاف آنچه معمولاً تبلیغ می‌شود - باعث تشدید نابرابری‌ها در عرضه

۱. بحار الأنوار، ج ۱۲، ۱۸۲.

تولید و توزیع کالاها، خدمات و امتیازات شده است و به نوبه خود، میان کسانی که از مجموعه رو به تزایدی از منابع و وسایل ارتباطی برخوردار هستند و آنان که فاقد الکتریسیته، فناوری ارتباطات و یا قدرت دسترسی به اطلاعات هستند، فاصله و شکافی ایجاد کرده است که به طور روز افزون در حال گسترش است. دار ندورف نیز ادعا می‌کند: تعداد فزاینده‌ای از مردم - به ویژه نسل جوان‌تر - از بازار کار طرد خواهند شد.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که پیش‌تر گذشت، رکن اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام رفع نابرابری و تبعیض و استفاده کامل و بهینه از منابع طبیعی جهان خواهد بود. او اموال را میان مردم چنان به مساوات تقسیم خواهد کرد که دیگر محتاجی دیده نخواهد شد تا زکات بگیرد. همگان به طور برابر از نعمت‌های الهی برخوردار شده و بیکاری و فقر ریشه کن خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «... در روی زمین خرابی باقی نمی‌ماند، مگر آنکه [پس از پیروزی قائم ما] آباد شود»<sup>۲</sup>.

۱. جهانی شدن در عین حال که خدمات مثبت و مفیدی برای جوامع انسانی دارد؛ اما

۱. روزنامه جام‌جم، شماره ۷۵۴، ص ۸

۲. منهاج البراعة، ج ۸، ص ۳۵۳.

آلودگی‌های سیاسی و اخلاقی، گسترش تروریسم و سوء استفاده از آن، فزونی قاچاق مواد مخدر و کلاهبرداری‌های مالی، مشکلات زیست‌محیطی، گسترش بیماری‌های جمعی، سوء استفاده‌های جنسی، فروش کودکان و زنان و... نیز جنبه جهانی پیدا کرده است. این مسائل و مشکلات، به علت باز شدن مرز کشورها بر روی یکدیگر، گسترش مبادلات بین‌المللی و... به مشکلات و جرایم فرامرزی و جهانی تبدیل شده است؛ یعنی، با گسترش «جهانی‌شدن»، این مشکلات نیز فراگیر و گسترده می‌شود.<sup>۱</sup>

در حالی که در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مجال و امکانی برای بروز این گونه مشکلات نخواهد بود. افراد فاسد و تباهگر از بین خواهند رفت و افراد صالح، جانشین آنان بر روی زمین خواهند شد. زمینه‌های فکری و اعتقادی مردم تغییر خواهد یافت و رذایل اخلاقی و آلودگی‌های جنسی، ریشه کن خواهد شد. مردم به نحو شایسته و به اندازه نیاز از طبیعت بهره خواهند برد و امنیت روانی بر جامعه حاکم خواهد شد.

یکی از پژوهشگران، مقایسه جالب و مفیدی بین جهانی‌شدن و حکومت جهانی حضرت

۱. فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۲۵، ص ۲۱۰.

مهدی عج انجام داده که ذکر آن در اینجا پرفایده است:

۱. حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت‌های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصوم‌اند، ایجاد می‌شود و قانون خدا در آن جامعه حاکم است، ولی حکومت واحد جهانی پیشنهادی، تحت نظر و اشراف قدرت مندان و زورمداران و ستمگران ایجاد می‌شود.

به عنوان نمونه «حق وتو» حقی ظالمانه و خطرناک است که کشورهای قدرت مند برای خود قرار داده‌اند. در حکومت واحد جهانی و در خانواده بزرگ بشریت کسانی که سر تا پا اسیر هوای نفس‌اند و از لحاظ اخلاقی منحط و ذلیل‌اند و نمی‌توانند فراتر از تعصبات خود عمل کنند و بسیار مغرور و ظالم و متعصب‌اند و همه بشریت را در خدمت خود می‌بینند، «حق وتو» دارند. این حق وتو، سبب می‌شود که جهان را به دوران دیکتاتوری اول برگردانند و قانون جنگل را حاکم کنند که هر کس زورش بیش تر است، باقی بماند و ضعیف ترها نابود شوند؛ یعنی، همان چیزی که امروزه شاهد آنیم و «تو»هایی که امریکا به نفع اسراییل و بر ضرر فلسطینیان

ستمدیده در سازمان ملل اعمال می کند. اینجا است که می گوییم، حکومت جهانی پیشنهادی آنان، یا محقق پیدا نمی کند و اگر هم تحقق پیدا کند، هیچ ضمانت اجرایی برای اجرای صحیح آن در جهت منافع و سعادت و رفاه بشر وجود ندارد.

۲. امتیاز دیگر جامعه جهانی اسلامی، بر جهانی شدن، این است که محور تمام یک امور در این جامعه، خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی است، ولی در جهانی شدن و جهانی سازی، محور، قوانین موضوعه بشری و الحاد و حاکمیت سکولاریسم است.

۳. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت؛ در خدمت دین و اهداف متعالی آن است، در صورتی که در وضعیت جهانی شدن، دین، مخصوصاً اسلام، جایگاه روشنی ندارد.

۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام قرآن، محور زندگی بشر قرار می گیرد. حضرت علی علیه السلام فرمود: «در آن هنگام که مردم قرآن را به رای



خود تفسیر کنند، امام زمان عجل الله فرجه، آراء و نظر مردم را تابع قرآن قرار خواهد داد.<sup>۱</sup>

از این کلام استفاده می‌شود که در عصر حکومت مهدی عجل الله فرجه محور همه چیز و همه آرا و عقاید، قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن، نه تنها قرآن، در جامعه بشری محور نیست؛ بلکه کوشش می‌شود که قرآن از صحنه خارج شود و اگر هم در برخی از جوامع، حضور کم رنگی دارد، سعی می‌شود که آیات قرآن را طبق نظر خود تفسیر کنند.

۵. حکومت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه بر محور توسعه اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است، در حالی که جهان کنونی ما، از بحران معنویت در رنج است، و امنیت نیز چه در سطوح فردی و چه سطوح عمومی و ملی و جهانی، به خطر افتاده است و از طرفی آن چه به عنوان اهرم قدرت است، برای کشورهای قدرت مند به رسمیت شناخته شده است.

۶. توسعه علمی، از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه است؛ اما در عصر جهانی شدن، دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای

۱. نهج البلاغه، ج ۱۳۸.

خاصی است و این کشورهای از انتقال آن به کشورهای دیگر جلوگیری می‌کنند.

۷. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام حکومتی

است مبتنی بر آموزه‌های حیاتی و دینی. در حالی که جهانی شدن، پیامد و حاصل آگاهانه و ناآگاهانه پیشرفت‌های سیاسی، اقتصادی. فن آوری، و در ارتباط با نظام سرمایه داری و سلطه طلبی است.

۸. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

مشروعیت خود را از خدا دارد و به تعبیر دیگر، حکومت ولایی است که حاکم آن از طرف خدا منصوب است و از ناحیه مردم نیز مورد پذیرش است؛ یعنی، حکومتی است که از یک سو مبتنی بر تأیید الهی است و از سوی دیگر، مورد رضایت مردم است، در حالی که در جهانی شدن، مشروعیت حکومت جهانی، از ناحیه مردم است، آن هم با هزاران فریب کاری که در گرفتن آرای مردم به کار می‌رود.

۹. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

بر مبنای حاکمیت عقل است؛ زیرا، عقل انسان ها، در عصر ظهور، به کمال می‌رسد. در حالی که حکومت بر اساس جهانی شدن، بر منابی هواهای نفسانی و تمایلات حیوانی شکل می‌گیرد.

۱۰. در حکومت واحد جهانی حضرت

مهدی علیه السلام به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمامی ظرفیت های اقتصادی طبیعت، کشف می شود و سرمایه. در حدّ وفور، در اختیار است و سیستم توزیع نیز درست عمل می کند، لذا اثری از فقر و شکاف طبقاتی و جنوب و شمال و کشورهای پیشرفته و عقب مانده، مشاهده نمی شود. در این حکومت، جایی را نمی توان دید که آباد نشده باشد. همه جا یک سان از مواهب طبیعت برخوردار خواهند شد. با چنین برنامه ای، یقیناً، شکاف های طبقاتی حاکم نخواهد شد، در حالی که در نظام های اقتصادی حاکم بر جهان، شکاف های اقتصادی وحشت ناکی وجود دارد. شکاف شمال و جنوب، شکافی است که به اجماع صاحب نظران توسعه، میان کشورهای توسعه یافته و عقب مانده وجود دارد. وجود کشورهای فقیر و بدهکار در این عالم، بهترین شاهد بر مدعا است.

۱۱. طبق کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در حکومت

واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام مؤمنان، به دور او اجتماع می کنند، و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت اثری نیست.

در جهانی شدن، مؤمنان واقعی، جایگاهی ندارند و اطراف حاکمان و قدرت مندان را افراد

هواپرست و لابی‌گری گرفته‌اند. آنان، اساساً، حکومت و سیاست را از دین جدا می‌دانند و به تعبیر دیگر، در این نوع حکومت، جایی برای مؤمنان نیست.

۱۲. الهی شدن، خواسته‌های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه است. در عصر جهانی شدن، کوشش، بر طرد فکر الهی و سعی در تبعیت از هواهای نفسانی است.

۱۳. در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه اجتماع گمراهان پراکنده می‌شود و حق جویان گرد هم جمع می‌شوند: «هو دویص دَعُ شَعْباً وَيَشَعْبُ صَدْعاً»؛ «او، جمعیت‌های گمراه و ستمگر را پراکنده می‌کند و حق جویان پراکنده را به دور هم گرد آورد.

در جهانی شدن، ستمگران عالم به هم می‌پیوندند و حق جویان را پراکنده می‌سازند».

۱۴. در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه ستمگران و طاغوتیان و کارگزاران بد کیفر می‌بینند و نیکان پاداش می‌گیرند و تشویق می‌شوند.

در عصر جهانی شدن، درست قضیه به

عکس است به جنایتکاران مانند شارون (نخست وزیر اسرائیل) لقب «مصلح» می دهند و به فرمانده ناو آمریکایی که دستور شلیک موشک را به هواپیمای مسافری ایران داد و نزدیک سیصد تن مسافر بیگناه را کشت، جایزه می دهند و فلسطینی های محروم و حزب الله ستم کشیده را لقب تروریست می دهند.

۱۵. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه بر اساس عدل و قسط اداره می شود، و جایی از کره زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. در روایات متعدد، تعبیر به «یَم لَأء» - یعنی زمین از عدل پر می شود - شده است.

حاکمان در حکومت های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اندو چنان در زمین عمل می کنند که گویا دشمن عدل اند و اساساً این که قبل از آمدن حضرت مهدی عجل الله فرجه جهان پر از ظلم و ستم می شود، در همان عصر جهانی شدن است که ظلم فراگیر در زمین تحقق پیدا می کند.<sup>۱</sup>

در پایان گفتنی است مشکلات و ناگواری های زیادی که اینک گریبانگیر جوامع جهانی است و در آینده نیز بشر از آن رهایی

۱. ر.ک: جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه، انتظار، ش ۷، صص ۲۰۱-۲۰۹.

نخواهد یافت؛ در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام وجود نخواهد داشت و همه مردم در امنیت، رفاه، آسایش و راحتی جمعی خواهند بود و همگان از ثروت، عدل، برابری، علم و دانش جهانی بهره‌مند خواهند شد. این وعده حتمی خداوند به همه مستضعفان و یکتاپرستان جهان و نقطه اوج و متعالی تاریخ بشری خواهد بود. اصولاً حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام برای رفع و ریشه‌کنی مشکلات، ناهنجاری‌ها، کاستی‌ها، نابرابری‌ها، فسادها و انحراف‌ها تشکیل خواهد یافت و جنگ و ستیزه‌جویی، ناامنی، ظلم و برتری‌طلبی و... ریشه کن خواهد شد. در این صورت امنیت یک تن، امنیت همه و رفاه یک تن، رفاه همه خواهد بود. رفاه و تنعم بدان سان خواهد بود که دیگر نیازمند و صاحب حاجتی در سطح جامعه پیدا نمی‌شود؛ زیرا ثروت و منابع عادلانه در میان مردم تقسیم خواهد شد. حکومت حضرت مهدی علیه السلام برای مردم و به جهت هدایت و نجات آنان است؛ از این رو نوید بخش دوستی، یکرنگی، یکدلی و نوع دوستی در میان همگان خواهد بود.

جهانی شدن این حکومت، به معنای جهانی شدن فضیلت‌ها، عدالت‌ها، نیکی‌ها، برابری‌ها و

معنویت‌ها خواهد بود و مردم فرصتی خواهند یافت که خوب بیندیشند؛ خوب زندگی کنند؛ حکمت و دانش واقعی بیاموزند؛ یکدیگر را دوست بدارند؛ به حق همدیگر تجاوز نکنند؛ توحید محور و اخلاق‌گرا باشند؛ جامعه‌ای عاری از فساد و تباهی تشکیل دهند و... در مدینه فاضله مهدوی، همه جا سخن از عدالت و قسط است و مردم شاهد لبریز شدن زمین از عدل و داد خواهند بود. دامنه عدالت او، تا اقصا نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده خواهد شد؛ حتی عدالت و دادگری، همچون گرما و سرما در درون خانه‌های مردمان نفوذ کرده و مأمّن و مسکن وجود آنان را سامان خواهد بخشید.

## منابع و مصادر

۱. اتکینسون، آر. اف و...، فلسفه تاریخ: روش‌شناسی و تاریخ نگاری، گردآوری و ترجمه حسینعلی نوذری، چاپ اول، تهران: طرح نو، ۱۳۷۹.
۲. ادواردز، پل و...، فلسفه تاریخ (مجموعه مقالات دائرة المعارف فلسفه)، ترجمه بهزاد سالکی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۳. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمة، چاپ اول، تبریز: مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۴. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثت، ۱۴۱۷.



۵. \_\_\_\_\_، *المحجّة فی ما نزل فی*  
*القائم الحجّة*، ترجمه مهدی حائری قزوینی،  
چاپ سوم، تهران: آفاق، ۱۳۷۶.
۶. بلخاری حسن، *تهاجم فرهنگی یا تفاوت*  
*فرهنگی*، چاپ دوّم، تهران: انتشارات حسن  
افزا، ۱۳۷۸.
۷. پیتر، مارتین و شومن، هارالد، *دام جهانی شدن*  
*(تهاجم به دموکراسی و رفاه)*، ترجمه  
حمیدرضا شهمیرزادی، چاپ اول، تهران:  
مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر،  
۱۳۸۱.
۸. تاجبخش، احمد، *تاریخ و تاریخ‌نگاری*،  
چاپ اول، شیراز: نوید شیراز، ۱۳۷۶.
۹. تاملینسون، جان، *جهانی شدن فرهنگ*، ترجمه  
محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های  
فرهنگی، ۱۳۸۱.
۱۰. توماس، هنری، *بزرگان فلسفه*، ترجمه فریدون  
بدره‌ای، چاپ چهارم، تهران: شرکت انتشارات  
علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

۱۱. جوادی، آملی، عبدالله، *فلسفه حقوق*

نشر، چاپ دوم، قم: اسراء، ۱۳۷۷.

۱۲. \_\_\_\_\_، *وسائل الشیعه*، ۲۹ جلد،

چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹.

۱۳. حسین، جاسم، *تاریخ سیاسی غیبت امام*

*دوازدهم*، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، چاپ

دوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.

۱۴. حسینی شرف‌الدین، *تأویل الآیات الظاهرة*،

چاپ اول، قم: انتشارات دفتر اسلامی، ۱۴۰۹.

۱۵. حشمت‌زاده، محمدباقر، *چهارچوبی برای*

*تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران*،

چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و

اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.

۱۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، *دانشنامه قرآن و قران*

*پژوهی*، ۲ جلد، تهران: انتشارات دوستان و

ناهد، ۱۳۷۷.

۱۷. خمینی [امام]، *روح‌الله، ولایت فقیه*، قم:

انتشارات آزادی، ۱۳۶۱.

۱۸. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، تهران: مرکز

مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.

۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ اول از

دوره جدید، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۷۳.

۲۰. رابرتسون، رونالد: جهانی شدن (تئوری های

اجتماعی و فرهنگ اجتماعی)، ترجمه کمال

پولادی، تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۱.

۲۱. رابرت. مارک و...، جهانی سازی (چالش ها و

راهکارها)، ترجمه سیدهادی عربی، چاپ اول،

قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.

۲۲. راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن،

چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸.

۲۳. رجایی، فرهنگ، پدیده جهانی شدن، ترجمه

عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگه، ۱۳۸۰.

۲۴. رامونه، آگاسینو، آیا جهان به سوی هرج و

مرج می رود؟، ترجمه پریچهر شاهسوند، چاپ

اول، تهران: انتشارات عطا، ۱۳۷۷.

۲۵. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در

اندیشه مهدویت)، چاپ اول، قم، بنیاد فرهنگی

مهدی موعود، ۱۳۸۳.

۲۶. گیدنز، آنتونی، گفتارهایی درباره یکپارچگی

جهان (جهان رها شده)، ترجمه علی اصغر

سعیدی، چاپ اول، تهران: نشر علم و ادب،

۱۳۷۹.

۲۷. لاتوشه، سرز، غربی سازی جهان، ترجمه

فرهاد مشتاق صفت، چاپ اول، تهران: سمت،

۱۳۷۹.

۲۸. لوکر، ژرار، جهانی شدن فرهنگی، آزمونی

برای تمدن‌ها، ترجمه سعید کامران، چاپ اول،

تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور

خارجه، ۱۳۸۲.

۲۹. ماری گنو، ژان، آینده آزادی، چالش‌های

جهانی شدن دموکراسی، چاپ اول، تهران:

مرکز و انتشارات وزارت امور خارج، ۱۳۷۹.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر و...، تفسیر نمونه، ۲۷

جلد، چاپ دوازدهم، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۳۱. \_\_\_\_\_، حکومت جهانی

مهدی علیه السلام، چاپ هشتم، قم: مدرسه

امیرالمؤمنین، ۱۳۷۶.

۳۲. نیش، کنت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر،

ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر، ۱۳۸۰.

۳۳. هینس، جف، دین، جهانی شدن و فرهنگ

سیاسی در جهان سوم، ترجمه داوود کیانی،

چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات

راهبردی، ۱۳۸۱.

۳۴. هی وود، اندرو، درآمدی بر ایدئولوژی‌های

سیاسی، ترجمه محمد رفیعی، مهرآبادی، چاپ

اول، تهران: مرکز انتشارات وزارت امور

خارج، ۱۳۷۹.

۳۵. هلد، دیوید و...، جهانی شدن و مخالفان آن،

ترجمه مسعود کرباسیان، چاپ اول، تهران:

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.